

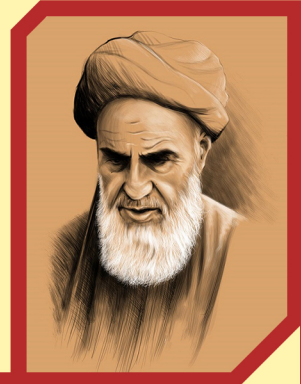
سال شانزدهم | شماره ۳۹

حیات

بررسی‌های زنانه

بررسی الویت‌ها، باید‌ها و نباید‌های حوزه زنان و خانواده مجلس یازدهم

ویژه دختران | بها: ۵۰۰۰ تومان



امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ :

نقش زنان در عالم از ویژگی های خاصی برخوردار است. صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می گیرد. زن، یکتا موجودی است که می تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه ها به استقامت و ارزش های والای انسانی کشیده شوند و می تواند به عکس آن باشد.

۲۵ فروردین ۱۳۶۱





پیگیری مسائل خانواده وزن، به نظراین حقیر جزو مسائل مهم است و باید دنبال بشود و یقینا
در این زمینه کم کاری صورت گرفته است.
مقام معظم رهبری ۲۸/۲/۹۹

عسکری

جلد

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

مدیر مسئول: حانیه زرنگ

سرمدیر: فاطمه کریمی

طراحی: علیرضا شمس پور

طراح لوگو: سعید نجف آبادی

ویراستار: زهرا باقری بهلولی

تحریریه این شماره:

فاطمه کریمی

سارا یادگاری

علی میرزایی

حانیه ملایی

سمانه پورزارع

زهرا باقری بهلولی

حانیه زرنگ

زهرا مشهدی

امیررضا بخشی پور

مژگان صلابی

نرگس سادات حسینی

فاطمه محمدی

محمد حسین اصلان زاده

زهرا کارگر

کانال تلگرام: @jelveh_magazine

تلفن تماس: ۰۲۸۳۳۹۰۱۲۰۹

شماره مجوز:

د۱۱۱۵۸۶۱۰



درفراکسیون زنان مجلس چه گذشت؟!

آغاز یک پایان	۸
تابعیت یا زیرساخت های حمایت وارونه؟!	۱۰
اصرار فراکسیون بر طرح های غیر کارشناسی	۱۳
ورزش بانوان نیازمند توسعه امکانات است نه سیاسی کاری!	۱۵
زن در آئینه کتاب	۱۷

تکمه های گمشده پازل قانون گذاری

در شرح یک بلاتکلیفی	۲۰
از ازدواج آسان تا آرشیو بهارستان...	۲۲
تعهد دُرگران بهای این روز های شبکه نمایش خانگی	۲۴
جنگی به قدمت تاریخ معاصر	۲۵
سیاست های کلی خانواده در ایستگاه بهارستان	۳۰
تلخ تراز کرونا	۳۱
موانع مادری، مسائل اجتماعی	۳۴

گذر از مسیر سیاست گذاری صحیح

چهار پرده از ابتکارات تقریبا هیچ خانم ابتکار	۳۸
در انتظار مصوبات کارآمد	۴۰
کلام رهبری	۴۴
گزارش تصویری فعالیت های انجمن	۴۵



بی تردید توجه به مسئله زنان و خانواده و برداشتن گام های مثبت از جانب سیاست گذاران در این زمینه نشان دهنده اهمیت این مسئله در نگاه حاکمیت است. از طرفی حل بسیاری از مسائل و آسیب های مربوط به این حوزه نیازمند زیرساخت های مناسبی است که تنها قانون می تواند آن ها را فراهم کند به همین دلیل است که قانون گذاری در جهت ارزش ها و سیاست های کلی کشور از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

باید این مهم را در نظر داشت که با توجه به حساسیت حوزه زنان و خانواده و تاثیر مستقیم تصمیمات مربوط به آن بر جامعه، تدوین قانون در این حوزه نیازمند کار کارشناسی شده و در نظر گرفتن اولویت ها برای شناسایی و حل آسیب های موجود است و یکی از وظایف نمایندگان مجلس پرداختن به این مسئله با لحاظ چنین پارامترهایی می باشد.

قانون گذار می بایست مسائل موجود در بطن جامعه را بطور دقیق استخراج نماید. این جاست که بحث اولویت های قانون گذاری مطرح می شود. طبیعتا امری که از جهات مختلف در اولویت و به عبارتی فوری تر است باید بیشتر مورد توجه مجلس باشد.

کارآمدی قوانین نیز مسئله مهمی است که باید در نظر گرفت طبعاً اگر قانون بدون استفاده از نظر متخصصین تصویب شود و به مرحله اجرا برسد و یا نمایندگان در تدوین آن به ابعاد مختلف مسئله، آمارهای موجود، سبک زندگی، ارزش های مورد قبول جامعه و ... توجه چندانی نداشته باشند این امر خود می تواند زمینه را برای ناکارآمدی قانون فراهم کند.

ویژه نامه فوق بطور خلاصه مروری است بر کارنامه قانون گذاری حوزه زنان در چهار سال اخیر و بخش مهمی از عملکرد فراکسیون زنان مجلس دهم و البته گذاری است بر اولویت های مهم حوزه زنان و خانواده که متأسفانه با وجود اهمیت فراوان، تاکیدات مداوم مقام معظم رهبری، اسناد بالادستی و مطالبات مردم، در چند سال اخیر از جانب دولت، مجلس و به ویژه فراکسیون زنان، آنچنان التفاتی به آن ها نشد بطوریکه تقریباً به فراموشی سپرده شدند و در صورت تداوم بی توجهی به آن ها، در آینده ای نزدیک کشور درگیر مشکلات بسیاری خواهد شد.

حال با توجه به نقش مهم قوه مقننه در مدیریت این شرایط امید است که شاهد پیگیری جدی این اولویت های فراموش شده از جانب نمایندگان مجلس یازدهم باشیم.

درفراکسیون زنان مجلس چه گذشت؟!



آغاز یک پایان

تابعیت یا زیر ساخت های حمایت وارونه

اصرار بر طرح های غیر کارشناسی

ورزش بانوان نیازمند توسعه امکاناتست نه سیاسی کاری!

زن در آینه کتاب

آغاز یک پایان

سارا یادگاری

- زن بودن در ایران ممنوع
- پدر رومینا الگویی شد برای باقی مردان که فانتزی
کشتن دختران و زن هایشان را به واقعیت بدل کنند
- من ناموس کسی نیستم
این جملات گوشه ای از تعابیری است که پس از رسانه ای
شدن ماجرای رومینا اشرفی و چند نمونه دیگر، بیان می
شد.
حادثه دردناکی که بدون توجه به ابعاد و مسئله بایی دقیق،
به سرعت تبدیل به بهانه ای شد برای به اصطلاح مدافعین
حقوق زن داخل و خارج کشور که دوباره علم خشونت علیه
زنان را بلند کنند و البته ملعبه کسانی که در این میان ماهی
گیری از آب گل آلود را مناسب تر می دیدند.

به این ترتیب ماجرای که نیازمند آسیب شناسی دقیق و
نگاهی همه جانبه بود به مدد فضای ملتهب نشات گرفته
از رسانه ها تبدیل به فاجعه ای شد که تمام دختران را تهدید
می کند! فاجعه ای که اگر برای آن چاره ای نیندیشیم
مطابق این قول بعید نیست تبدیل شود به عادت تحت
عنوان زن کشی و اصطلاحات این چنینی!
به دنبال این ماجرا از طرف دیگر دوباره بحث لایحه تامین
امنیت زنان داغ شد. بحثی که هر چند وقت یک بار به
بهانه های مختلف و در پی سوژه های متعدد در فضای
رسانه ای پررنگ می شد و بنا بر قول برخی سیاسیون می
توانست چاره ای باشد برای منع خشونت علیه زنان و آغازی
برای بازدارندگی و جلوگیری از وقوع چنین حوادثی...
در پی این حادثه معاونت امور زنان هم تنها راه چاره را برای
پیش گیری از این اتفاقات، تسریع در اجرایی شدن این لایحه
دانست و خواستار بررسی فوری آن در دولت شد.
فراز و فرودهای تامین امنیت!

بررسی مجدد لایحه صیانت کرامت و تامین امنیت بانوان
که ابتدا در دولت نهم با عنوان "تامین امنیت زنان" تدوین
شده بود در سال ۹۵ توسط معاونت امور زنان دولت یازدهم
از سرگرفته شد که نهایتاً پس از اعمال تغییرات، سال ۹۶

جهت بررسی بیشتر و اعمال اصلاحاتی در جنبه حقوقی و
کیفری آن، به قوه قضائیه ارسال شد و نهایتاً پس از دو سال
در سال ۹۸ لایحه اصلاحی قوه قضائیه به دولت بازگردانده
شد اما بدون هیچ تصمیمی در خصوص ارسال آن به
مجلس نه ماه در دولت مسکوت ماند و نهایتاً پس از حادثه
اخیر مجدداً بر سر زبان ها افتاد.

در این میان باید دید محتوای لایحه مذکور اصلاً پتانسیل
رفع و پیش گیری از چنین اتفاقاتی را دارد؟ به عبارت دیگر از
کارآمدی لازم برخوردار است یا خیر؟!

بررسی ها نشان می دهد لایحه صیانت کرامت و تامین
امنیت بانوان با وجود برخی اصلاحات مفیدی که در آن
صورت گرفته همچنان دارای خلایه ای است که پر نشدن
آن ها، نه تنها بازدارندگی لازم را ایجاد نخواهد کرد بلکه در
صورت عدم اعمال اصلاحات صحیح و لازم بر آن، می تواند
علی رغم اهدافی که ذکر کرده به تزلزل نهاد خانواده هم
منجر شود.

از ایرادات مهم موجود در این لایحه که در لایحه دولت نیز
به چشم می خورد ابهام در ارائه تعاریفی است که از برخی
واژگان ارائه می دهد بعنوان نمونه واژه کلی خشونت یکی از
تعاریفی است که توقع می رفت لایحه جدید به جای حذف
تعاریف و مصادیق پر اشکال موجود در فصل اول لایحه قبلی،
به نحو صحیح آن را اصلاح کند و مطابق با عوامل اثر گذار
بومی به آن بپردازد. از طرفی کلماتی همچون مزاحمت و یا
تحقیر مندرج در تبصره دو ماده ۳۶ هم از مفاهیمی است که
به جهت ابهام، در شرایط متفاوت، معنا و سطوح مختلفی
را داراست و به همین جهت زمینه سو استفاده مغرضان را
فراهم میکند. وجود ابهام در چنین مواردی که از مصادیق
خشونت به حساب می آیند راه را برای تفسیر قضات در نهاد
حساسی همچون خانواده باز خواهد گذاشت.

این مسئله در فصل چهارم و در بحث مجازات ها نیز قابل
مشاهده است. نصوص کیفری می بایست صریح و روشن
بوده و تا حد امکان موجب تفسیر مضیق قضات و کارشناسان
باشد. از مهم ترین ایراداتی که همچنان به لایحه وارد است



مسکوت ماند

با این وجود این لایحه، گویا چندان دلخواه معاونت امور زنان نبوده و نسبت به لایحه قبلی تمایل بیشتری دارند. خانم ابتکار در گفت و گو با خبرگزاری مهر از احتمال استفاده از مفاد لایحه پیشین در لایحه جدید خبر داد. این درحالی است که ایرادات لایحه پیشین به مراتب بیشتر بود.

اما در بررسی بحث خشونت علیه زنان باید به این نکته توجه نمود که وارد کردن تمامی تعاملات بانوان به عرصه قانون و قضا، غفلت از سایر نیازهای زنان بوده و خود نوعی ظلم به زن تلقی می شود. بعلاوه قانون چگونه می تواند به تنهایی آرامش و احترام را به زنان و کانون خانواده بازگرداند؟ خانواده نهادی صرفاً حقوقی و ازدواج تنها یک معامله نیست که به این سهولت بتوان برخورد سخت و قضایی با آن کرد و برخوردهای قانونی با خانواده می بایست در جهت تحکیم آن و در مسیر ارزش های اسلامی باشد.

ضمن این که در زمینه احقاق حقوق افراد نگاه مجزا و منفرد به فرد بدون توجه به پیوستگی های زندگی اجتماعی و دیگر افراد، راه را برای ایجاد آسیب های بیشتر در جامعه باز خواهد گذاشت.

تدوین و تصویب قوانین در زمینه خشونت نیازمند فهم صحیح از این پدیده، نگاهی همه جانبه به مسئله، توجه به فرهنگ بومی کشور و مبنا قرار دادن خانواده جهت اثر بخشی قانون است نه اقداماتی نظیر بازی های رسانه ای و سوژه محوری برای جلب نظر جامعه. همچنین باید توجه داشت نمی توان بر اساس پارادایم های غربی و نگاه امانیستی غرب به فرد اقدام به تدوین قوانین نمود.

بحث جرم انگاری وسیعی است که در فصل چهارم آن به چشم می خورد که همانند لایحه قبلی باعث ورود سریع نهادهای قضایی و حقوقی به چهارچوب خانواده می شود. در این لایحه مانند لایحه قبلی بخش زیادی از مواد مربوط به مجازات و آیین دادرسی تقریباً همان قوانین فعلی است این در حالی است که با وجود مطالبات رهبری در خصوص مسئله ظلم به زن در داخل منزل، بحث کارآمدی درخصوص مسئله خشونت خانگی به طور صحیح وجود نداشته و با این روند لایحه مذکور در این زمینه نیز تأثیرگذار نخواهد بود.

باید به این نکته توجه کنیم که هنگامیکه در حوزه اثبات جرم در این قانون و خصوصاً نهاد خانواده خلا وجود دارد فربه کردن قانون و تکرار مکرات، بدون هیچ تغییری در آیین دادرسی و اثبات جرم تأثیری در اصلاح و رفع خشونت علیه زنان نخواهد داشت

از طرفی مداخله سریع نهادها در خانواده ایراد دیگری است که به این لایحه وارد است بنابراین می بایست به بحث وظایف نهادها توجه شده و چارچوب مداخله آنان روشن شود.

بعلاوه باید پرسید برای تدوین چنین لویحی به کدام جامعه آماری استناد می شود و اصلاً تحقیقات علمی موثقی قبل از تدوین این لایحه برای افزایش تأثیرگذاری آن صورت گرفته است؟

قوه قضائیه با وجود این که ۴۱ ماده از لایحه معاونت را حذف و برخی مواد آن را اصلاح کرده، همچنان نیازمند بررسی و اعمال تغییرات بیشتری است.

نکته جالب اینجاست که با وجود پیگیری های فراوان معاونت و فراکسیون زنان و مطالبه از قوه قضائیه برای اعمال تغییرات حقوقی، لایحه به مدت نه ماه در دولت

تابعیت یا زیرساخت‌های حمایت وارونه؟!

حانیه ملایی

با مشکل مواجهه اند. بعلاوه بطور کلی تعیین تکلیف در خصوص تابعیت این افراد پس از سال‌ها گامی مثبت در این زمینه است.

اما باید دید این قانون همانطور که ذکر شده در حمایت از حقوق زن ایرانی کارایی لازم را دارد؟

مسئله ای که در روند تصویب این قانون مطرح شد، وجود ایراداتی در آن بود که باعث شد در ابتدای امر، پس از بررسی در شورای نگهبان جهت اصلاح به مجلس مسترد شود اما نهایتاً پس از اعمال اصلاحاتی بر آن، در قالب یک ماده واحد و دو تبصره به تصویب رسید.

بطور خلاصه قانون مذکور بیان می‌دارد که فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زن ایرانی با مرد خارجی به درخواست مادر می‌توانند تابعیت ایرانی دریافت کنند بعلاوه در خصوص فرزندان بالای ۱۸ سال نیز چنین امری به درخواست خود فرد قابل اجراست. همچنین نیروی انتظامی مکلف شده است که برای پدر نیز اقدام به صدور پروانه اقامت نماید. تمامی این موارد در صورتی است که مشکل امنیتی وجود نداشته باشد و تشخیص آن بر عهده وزارت اطلاعات و سپاه است.

اما به این قانون که از همان ابتدا سر و صدای زیادی به پا کرده بود همچنان ایرادات بسیاری وارد است. ایراداتی که با وجود اصرارها و اعتراضات صاحب نظران در حوزه زنان همچنان مرتفع نشده و با این حال هم اکنون در حال اجراست.

یکی از مسائلی که همواره در عرصه بین‌المللی مورد بحث قرار می‌گیرد مفهوم تابعیت و چالش‌های مربوط به آن بویژه مسئله تعیین تکلیف افراد فاقد تابعیت است.

اکثر کشورها نیز در این زمینه برای کنترل و تعیین تکلیف تابعیت افراد اقدام به وضع قانون کرده و تدابیری اندیشیده اند.

کشور ما هم با توجه به این مسئله و پدیده مهاجرت اتباع خارجی به خصوص مهاجرت از کشورهای همسایه به ایران و... از این قاعده مستثنی نبوده و مانند سایر کشورها به مسئله تابعیت از زاویه قانون پرداخته است.

□ قانونی برای تابعیت فرزندان مادران ایرانی

قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان غیر ایرانی با تلاش‌های فراکسیون زنان مجلس دهم در سال ۹۸ به تصویب رسید که اخیراً هم آیین‌نامه اجرایی آن ابلاغ شده است.

قانونی که گویا هدف مهمش رساندن مادران ایرانی مشمول این قانون به حقی بود که بیان می‌داشت فرزندان ایشان به راحتی تابعیت ایران را کسب خواهند کرد. در نگاه اول این مسئله بسیار خوشایند است چرا که بسیاری از فرزندان که مادر ایرانی و پدر خارجی دارند و ساکن ایران هستند بدلیل نداشتن تابعیت ایرانی در مسائلی همچون تحصیلات، شغل، مالکیت و اموری از این قبیل



باعث افزایش ازدواج های موقت چنین افرادی با دختران ایرانی به خصوص در مناطق محروم و حاشیه ای به بهانه اخذ اقامت می شود و در ادامه حتی ممکن است به جهت فقر اقتصادی در کنار فقر فرهنگی، شاهد فروخته شدن دختران ایرانی در چنین مناطقی به بهایی اندک بدون در نظر گرفتن حقوق آنان باشیم.

یعنی قانون مذکور با استناد به آمارهایی که منبع محکم نداشته و مبتنی بر شواهد تجربی و قطعی نیستند، به صرف استناد به یک آمارگیری پیامکی برای احقاق حقوق ۵۰ هزار نفر با چنین مفادی راه را برای تضييع حقوق طیف گسترده تری از زنان هموار می کند.

ضمن این که این قانون به راحتی با چنین قیدی ناقض ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی است که بیان می دارد ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی منوط به اجازه مخصوص از جانب دولت است و از همین حیث این قانون نفوذ حاکمیت در این ازدواج ها را زیر سوال میبرد.

□ وقتی قانون قید مسائل امنیتی خورد! گفته شد که یک دلیل مسترد شدن قانون از جانب شورای نگهبان به مجلس در سال ۹۸ لحاظ نکردن مسائل امنیتی حاصل از اعطای تابعیت به فرزند و اقامت پدر فرزند در ایران بود. بنابراین ماده واحده، اصلاح و قید نداشتن مشکلات امنیتی به آن افزوده شد به این نحو که هم مسئله دریافت تابعیت فرزند و هم مسئله اقامت پدر مشروط به نداشتن

□ حمایت وارونه زیر چتر ازدواج شرعی! پیش فرضی که در روند بررسی این قانون به چشم می خورد و در تصویب آن تاثیرگذار بود، بحث نادیده گرفته شدن حقوق زنان در اعطای تابعیت دولت متبوع آنان به فرزندانشان بود؛ به بیان دیگر چنین به نظر می رسد که اعطای تابعیت صرفاً از طریق پدر به نحوی نادیده گرفته شدن حقوق زن تلقی می شود و نهایتاً به نقطه ای می رسیم که می بینیم اعطای تابعیت از طریق مادر به فرزند با چنین پیش فرضی حق زن محسوب شده و در نتیجه تصویب این قانون موفقیتی بزرگ و قدمی است در حوزه حقوق زنان! بدون شک افراد بسیاری در ایران به جهت نداشتن تابعیت ایرانی با وجود داشتن مادر ایرانی در معرض مشکلاتی هستند و مشکل تابعیت چنین افرادی باید حل می شد اما با مطالعه ماده واحده ای که به تصویب رسید می بینیم آنچه در حوزه حقوق زنان مطرح می شود با تصویب این قانون در عمل نقض شده است.

با مراجعه به قانون مذکور مشاهده می کنیم؛ مشمولین این قانون فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی و مردان غیر ایرانی هستند بنابراین حتی در صورت ازدواج موقت هم این قانون قابل اجراست. یعنی صرف ارائه یک صیغه نامه در اعطای تابعیت کفایت می کند.

از طرفی در کنار این مسئله بحث اقامت پدر پس از اخذ تابعیت به چشم می خورد. به این صورت که مرد می تواند به راحتی تقاضای دریافت اقامت کند و این موضوع خود



می‌بایست این شرط در قانون ذکر می‌شد در حالیکه ماده واحده با عامیت خود و با ذکر نکردن شرط سکونت در ایران جامعه مشمولین این قانون را توسعه داده و این جامعیت و عدم تفکیک بین ساکنین ایران و کسانی که در ایران سکونت ندارند، خود زمینه را برای بروز مشکلات بسیاری فراهم می‌کند. گسترش مشارکت سیاسی افرادی که ساکن ایران نیستند مانند انتخابات ها و... به بهانه داشتن تابعیت ایرانی و نتایج آن نمونه ای از این موارد است. مسئله ای که بحث امنیت را نیز تحت شعاع قرار خواهد داد.

□ پایان نگاشت...

با وجود ایرادات فوق قانون مذکور به تصویب رسید و هم اکنون نیز در حال اجراست! قانونی که بدون توجه به ایرادات مطرح شده و با فقدان جامعه آماری دقیق و مستند به اجرا در می‌آید، خود موجب بروز مشکلات بسیاری خواهد بود. در چنین شرایطی این نکته همچنان جای سوال است که چطور اقدامات فراکسیون زنان به بهانه حقوق زن، بدون توجه به حق مغفول مانده زنان در پسا پرده این قانون، بیشتر رنگ و بوی اسناد بین المللی از جمله ماده ۹ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان را دارد؟! البته این مسئله تنها به این قانون ختم نشده و سایر اقدامات فراکسیون را نیز در برمی گیرد.

بعلاوه فراکسیون زنان مجلس دهم علی رغم تبلیغات رسانه ای در خصوص این قانون بدون توجه به ایراداتش، تلاشی در راستای اصلاح این موارد نکرده و در عین حال اعضای آن همچنان تصویب این قانون را از موفقیت های بزرگ در این حوزه بر می‌شمارند.

مشکل امنیتی شده و تشخیص این مسئله نیز برعهده وزارت اطلاعات و سپاه است.

اما با اضافه کردن چنین شرطی به محتوای ماده واحده مشکلات ناشی از فقدان این قید بطور کامل حل نشده و باید به چند نکته توجه کرد؛

بررسی های مربوط به نداشتن مشکلات امنیتی در خصوص تابعیت و به ویژه اقامت پدر، بیشتر حول محور سوابق و گذشته فرد است و با این حال همچنان احتمال بروز مشکلات امنیتی در آینده وجود دارد. بنابراین چه ضمانتی در خصوص احتمال اقدامات بر ضد امنیت از جانب فردی که ملیت و قومیت و فرهنگ متفاوتی دارد، پس از دریافت تابعیت و اقامت وجود دارد؟

از طرفی مسئله امنیت تنها محدود به امنیت سیاسی نیست بلکه روندی که این قانون در پیش گرفته است، بر شرایط فرهنگی و اجتماعی از جمله نژاد، هویت، فرهنگ، دین و... تاثیر می‌گذارد و از این حیث امنیت اجتماعی، فرهنگی و... را هم به مخاطره می‌اندازد.

البته بحث تعیین تکلیف در خصوص نیروهای نظامی و امنیتی نیز ازجمله انتقاداتی است که در این میان به چشم می‌خورد.

□ عمده مطالبات برای چه کسانی است؟

یکی از ایراداتی که در این قانون به چشم می‌خورد فقدان شرط تولد در ایران و مهم تر از آن، سکونت مشمولین این قانون در ایران است. در حالی که عمده مطالبات در زمینه تابعیت مربوط به کسانی است که با وجود سکونت در ایران بدون تابعیت ایرانی از برخی حقوق محروم هستند. اگر جامعه هدف این قانون عمدتاً چنین افرادی اند بدون شک

اصرار فراکسیون بر طرح‌های غیر کارشناسی

فاطمه کریمی

ارائه دلایل مردود و عدم کار کارشناسی!

فراکسیون زنان و مدافعان این طرح معتقد بودند برای جلوگیری از ازدواج اجباری کودکان، نیازمند تغییر قانون فوق و افزایش سن ازدواج هستیم.

در همین راستا هم عواملی از جمله ترک تحصیل دختران در ازدواج‌های زود هنگام، افزایش آمار طلاق، خطر بارداری زود هنگام، عدم پختگی لازم برای تشکیل زندگی مشترک و ... را مطرح کردند؛ دلایلی که نه به جهت آماری صحیح بوده و نه از منظر تخصصی قابل پذیرش!

به عنوان نمونه استناد به مسئله افزایش ترک تحصیل دختران در چنین ازدواج‌هایی به جهت آماری قابل قبول نیست. طبق آمارهای بدست آمده تا سال ۹۵ هر ساله تعداد کسانی که در میانگین سنی ۷ تا ۱۷ سال به دلیل ازدواج ترک تحصیل کرده اند، ۷۰۰ نفر از ۱۴۰۰۰ است یعنی حدود نیم درصد از کل کسانی که ترک تحصیل می کنند.

از طرفی هنگامیکه در خصوص افزایش طلاق در ازدواج‌های زود هنگام صحبت می شود، با مراجعه به آمارها شاهد این نکته هستیم که در سنین پایین تر نسبت طلاق بسیار کمتر از میانگین طلاق‌های مربوط به سنین بالاتر است بنابراین اینطور استنباط می شود که ازدواج‌ها در سنین پایین از ثبات بیشتری برخوردارند.

همچنین برخلاف ادعای موافقان این طرح، در خصوص خطر بارداری در سنین پایین تر آمارها چیز دیگری را نشان می دهند؛ چنانچه خطر مرگ و میر در سنین پایین تر بسیار ناچیز بوده و بطور میانگین در یک بازه ۵ ساله نسبت فوت به زایمان مادران صفر است در عوض در سنین بالای ۳۵ سال خطر بارداری به مراتب بیشتر می باشد.

باید توجه داشت ه در امر قانون گذاری طرح‌ها می بایست از پشتوانه تحقیقی و آماری صحیحی برخوردار باشند این در حالی است که طرح مذکور فاقد مطالعات کارشناسی شده است چنانچه شاهد این نکته هستیم که در ارائه دلایل مطرح شدن این طرح مطالعات

طرح افزایش سن ازدواج موسوم به کودک همسری یکی از موضوعات مهم مطرح در کارنامه عملکرد فراکسیون زنان است که در مجلس دهم از جانب فراکسیون زنان و دولت پیگیری شد و البته سر و صدای بسیاری هم بلند کرد. این طرح با هدف اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مصوب سال ۸۸ و افزایش حداقل سن ازدواج، از سال ۹۵ وارد مجلس شورای اسلامی شد و در نهایت سال ۹۷ با قید فوریت در مجلس مطرح شده و پس از بررسی‌های صورت گرفته، از سوی کمیسیون حقوقی قضایی مجلس رد شد.

ماجرای ۱۰۴۱ چه بود؟

ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی از جمله مواردی بود که بارها دستخوش تغییر و تحول شده و در نهایت پس از بروز اختلاف در تعیین حداقل سن ازدواج در سال ۸۸ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام اصلاح شد و اکنون نیز در حال اجرا است. ماده مذکور حداقل سن ازدواج (عقد نکاح) را در دختر ۱۳ سال تمام شمسی و پسر ۱۵ سال تمام شمسی در نظر گرفته است و بر اساس آن، ازدواج قبل از این سنین منوط به اذن ولی، به شرط رعایت مصلحت، با تشخیص دادگاه صالح است. در مجلس دهم موضوع حداقل سن ازدواج مجدداً بر سر زبان‌ها افتاد

فراکسیون زنان و دولت در ابتدا موضوع ممنوعیت ازدواج زیر ۱۸ سال را مطرح کردند اما به دلیل وجود مشکلات اساسی و مخالفت‌های کارشناسان نهایتاً ماده واحده‌ای تنظیم شد که حداقل سن ازدواج را در دختر ۱۶ سال تمام شمسی و در پسر ۱۸ سال تمام شمسی در نظر می گرفت.

بر اساس این طرح، ازدواج دختر از ۱۳ سال تا ۱۶ سال و پسر از ۱۶ سال تا ۱۸ سال تمام شمسی، منوط به اذن ولی و حکم دادگاه به شرط احراز رشد جسمی و روانی می باشد. بعلاوه در تبصره طرح، ذکر شده است که ازدواج قبل از ۱۳ سال برای دختر و قبل از ۱۶ سال برای پسر، ممنوع است.

آمار دقتی صورت نگرفته و استنادات مدافعان آن چندان پشتوانه علمی و تجربی ندارد. در این میان برخی نیز به مشکلاتی استناد می‌کنند که طبیعتاً حل آنها نیازمند همت مسئولین اعم از قوه مجریه و مقننه است. مسلماً اموری اعم از مشکلات اقتصادی از جمله فقدان شغل، مشکلات تحصیلی و... دلیل قانع‌کننده‌ای بر افزایش سن ازدواج نیست چراکه در این صورت با توجه به افزایش نرخ بیکاری جوانان، باید بطور کلی از مقوله ازدواج صرف نظر کرد.

اتخاذ تصمیم نسبت به ازدواج کودکان نیازمند مطالعه و تحقیق است

اولاً در خصوص ازدواج‌های اجباری که به دلایل مختلفی اعم از فقر، مشکلات فرهنگی، اعتیاد خانواده و... صورت می‌گیرد، بدون شک قانون نمی‌تواند تأثیرگذار باشد. چراکه در حال حاضر با توجه به قانون فعلی هم ازدواج‌های زیر ۱۳ سال منوط است به تشخیص دادگاه، که در این صورت با احراز عدم رشد جسمی و عقلی و مصلحت فرد این ازدواج ثبت نمی‌شود؛ بنابراین ازدواج‌های اجباری با توجه به این شرایط بصورت غیر رسمی بوده و اصلاح قانون نه تنها در این خصوص اثرگذار نخواهد بود بلکه با افزایش سن ازدواج به پایمال شدن حقوق زنان نیز دامن خواهد زد.

دوم آن که ازدواج در هر منطقه، متناسب با شرایط فرهنگی و فردی همان منطقه صورت می‌گیرد و پیچیدن یک نسخه برای تمام جامعه به بهانه رفع آسیب ازدواج اجباری که اتفاقاً آمار گسترده‌ای را به خود اختصاص نمی‌دهد، نامعقول است چراکه بسیاری از دختران و پسرانی که مشمول این قانون بوده و زیر سن مطرح شده هستند، ممکن است از نظر جسمی و عقلی شرایط ازدواج را داشته باشند اما با تصویب این قانون با محدودیت روبرو شوند و این مسئله خود آسیب‌های فراوانی را به دنبال خواهد داشت.

حال با توجه به این نکته که ۲۰ درصد از ازدواج‌های فعلی کشور مربوط به افراد زیر ۱۸ سال است، اعمال محدودیت در سن ازدواج، خود در کاهش نرخ

ازدواج سالانه و تغییرات جمعیتی اثرگذار خواهد بود. ضمن اینکه در شرایط فعلی با توجه به کم شدن سن بلوغ و تبعات آن افزایش سن ازدواج آسیب‌های بسیاری را در بر خواهد داشت.

باید گفت تصویب این طرح نه تنها چاره‌ای برای جلوگیری از ازدواج‌های اجباری نیست، بلکه خود موجب افزایش آمار ازدواج‌هایی می‌شود که شرعی بوده اما قانونی نیستند؛ بنابراین تحدید سن ازدواج در این مورد، نه تنها موجب رفع آسیب نیست، بلکه خود باعث ایجاد آسیب‌های بیشتر خصوصاً در حوزه حقوق زنان خواهد شد؛ از منظر فقهی نیز بنابر برخی نظرات، اعمال ممنوعیت در ازدواج دارای اشکال است. همچنین نمی‌توان برای سن ازدواج عدد تعیین کرد.

تکرار یک بازی رسانه‌ای!

با وجود تمام ایرادات مطرح شده و رد شدن طرح در مجلس، واکنش برخی رسانه‌های خارجی و داخلی در جو سازی و هدایت افکار عمومی جهت تصویب این طرح بسیار تأمل برانگیز بود. به طوریکه مخالفان این طرح، مدافعان کودک همسری نامیده شدند و بدین ترتیب هرگونه مخالفت با طرح فوق و بیان ایرادات آن موافقت با کودک همسری تلقی می‌شد و استناد به کودکانی که به حقیقت قربانی ازدواج‌های اجباری بودند در راستای حمایت از طرح مذکور و تأثیر بر افکار عمومی صورت می‌گرفت. بی تردید ازدواج اجباری و بدون توجه به بلوغ جسمی و عقلی ظلم و نوعی آسیب اجتماعی است اما این امر بیش از اینکه نیاز به محدودیت در سن ازدواج داشته باشد نیازمند فرهنگ سازی در راستای رفع این آسیب است.

نمایندگان فراکسیون زنان و دولت اما با وجود تمام ایراداتی که به این طرح وارد شد همچنان پیگیر تصویب آن بودند بطوریکه دو سال از عمر فراکسیون صرف پیگیری طرحی شد که از اساس دارای ایراد بود. دوسالی که می‌توانست صرف اموری شود که از اولویت بیشتری برخوردار بود اما اعضای فراکسیون در طول چهار سال بدون توجه به اولویت‌ها بر پیگیری طرح‌های غیر کارشناسی، نظیر طرح افزایش سن ازدواج اصرار ورزیدند.

ورزش بانوان نیازمند توسعه امکانات است نه سیاسی کاری!

✿ علی میرزایی

شاید باورش برای همه ما سخت باشد اما ورزشگاه ها چند وقت است که نقش بسیار اساسی و مهمی در جهت دهی سیاسی حداقل بخشی از مردم این سرزمین دارند!

ورزشگاه ها برای برخی معیار رای دهیست و برای برخی معیار رأی گیری! چنان که گویی دست گذاشتن روی این مورد از اوجب واجبات سیاسی کاریست! چند وقتیست که حضور زنان در ورزشگاه ها دستاویزی شده است برای جریان موسوم به اصلاح طلب جهت کسب رای و از جهتی، معیاری برای برخی زنان و بانوان این کشور جهت پخش رای!

مسئله ای به غایت کارشناسی نشده و معیوب که اگر از آسیب های اجتماعی و فرهنگی در فضای موجود بگذریم، نفس سیاسی کاری هایی که در حول آن انجام میگردد پر اشکال و پر نکته است؛ برای کسانی که اهل دقت اند!

برای نگارنده این مکتوب جای تعجب بسیار است که چرا جناح اصلاح طلب در هر انتخابات یا به تفصیل و یا به اجمال به مقوله حضور بانوان در ورزشگاه ها می پردازد و در نهایت امر نیز تغییری ایجاد نمیکند؟ جای سوال است که چرا این آقایان و خانمها برای خودسوزی دختران و زنان ایلامی و صد ها مصیبت زنان سرپرست خانوار دل نمیسوزانند و تأکید اصلی خود را بر مسائل دست دوم و جانبی قرار میدهند؟ نگارنده نمی داند که اگر قصد این حضرات صرفا لذت بردن زنان از ورزش است پس چرا هیچ تبلیغی بر روی تقویت ورزش بانوان انجام نمی دهند؟ هیچ منعی برای لذت بردن از فوتبال بانوان وجود ندارد!

پس چرا این دوستان دست گذاشته اند بر روی ورزش آقایان؟ نگارنده نمی داند که اگر مشکل این دوستان لذت بردن از ورزش است پس چرا در مسابقه فوتبال ایران و کامبوج تمام مسئله برخی از ایشان شده بود تفکیک ورزشگاه و دو قسمتی کردن آن؟

هیچ کدام این سوال ها برای نویسنده پاسخ ندارد! نمیشود تصور کرد که خودسوزی زنان مهم نباشد اما فوتبال دیدنشان چرا! نمیشود درک کرد که ورزش زنان مهم نباشد و ورزشگاه های بازی بانوان خالی از تماشاگر باشد و قصد مبلغین حضور بانوان در ورزشگاه های مردانه سالم و تمیز باشد! نمیتوان قبول کرد که تمام مشکل آن ها لذت نبردن بانوان از ورزش است و بعد گیر و مسئله شان یک مانع توری بین زن و مرد در ورزشگاه باشد!

تمام این مسائل را که کنار هم میگذاریم به نتیجه ای الا سیاسی کاری و غرض ورزی نمی توانیم که نرسیم!!

اما از سیاسی کاری ها و اغراض که بگذریم در مورد ذات حضور بانوان در ورزشگاه ها نیز حرف و سخن فراوان است.

اولا باید دانست که این حضور و تماشا شرعا قابل ایراد است.

یعنی آنکه تماشای ورزشی که لازمه اش دیدن بدن مردان توسط زنان است حتی بصورت زنده از طریق تلویزیونی نیز مورد اختلاف بوده و برخی از علما بر حرمت آن صحه نهاده اند.

یعنی اینکه بی اشکالی تام و تمام آن از نظر شرعی هنوز اثبات نشده و در این موضوع جای بحث فراوان



است.

از طرفی باید دقت کرد که در صورت حلیت شرعی و بی‌اشکالی آن از منظر شرع هم باز اولویت اسلام در مراودات اجتماعی این است که اختلاط زن و مرد فقط در حد لزوم باشد و آنجا که الزام محکمی وجود ندارد از این جمع شدن اجتناب گردد. این اختلاط و اجتماع فارغ از تمام الزامات روان‌شناختی و انسان‌شناختی، امتحان خود را پس داده و غرب‌مدرن هر روز با تبعه‌ای از تبعات آن دست و پنجه نرم می‌کنند.

وضعیت سلامت جنسی، امنیت جنسی، انحرافات جنسی و دوام خانواده در غرب به تنهایی موییدی خوب و دلیل مستحکمی است بر اینکه چرا نبود اجتماع و اختلاط اولویت است و اهمیت دارد.

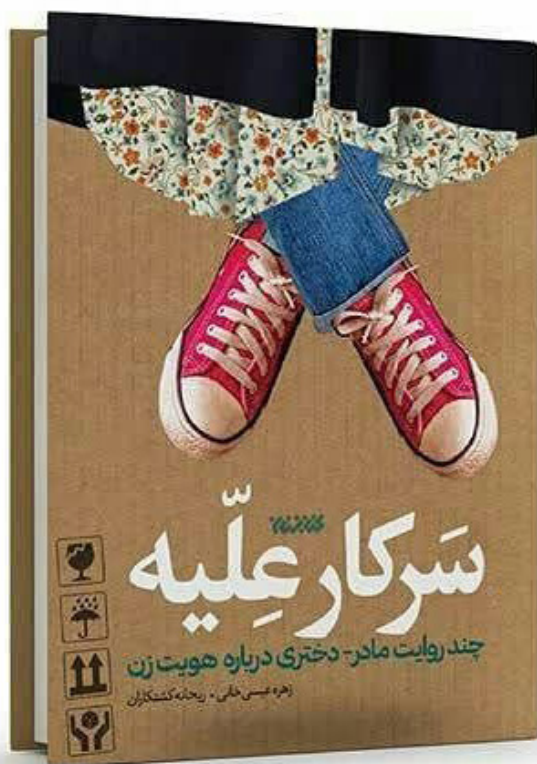
از مسئله شرع و اثرات شوم جنسی این اختلاط بر جامعه که بگذریم تازه مسئله نبود زیر ساخت‌های لازم سیاسی و فرهنگی و... آغاز میشود!

آیا ورزشگاه‌های ما گنجایش و ظرفیت حضور بانوان را دارند؟ آیا ورزشگاه می‌تواند کرامت زن را حفظ کند؟ در سنت ایرانی-اسلامی زنان واجد کرامت و بزرگی خاصی هستند و شأن و احترامی مضاعف دارند. این سنت تأکید دارد بر حفظ شأنیت زنان و احترام

ایشان .

در یک چنین اتمسفر سنتی و فرهنگی ای آیا ما میتوانیم مطمئن باشیم که ورزشگاه‌های مختلط جایگاه‌های امنی برای کرامت زنانه دختران این مملکت هستند؟ آیا ورزشگاه‌هایی که به مردان هم رحم نمیکنند می‌توانند جای مناسبی برای زنان باشند؟ مادامی که زیر ساخت‌های فرهنگی و امنیتی تأمین نشده اند اجازه حضور دادن بیشتر نامعقول بنظر می‌رسد تا جواز حضور دادن. به هر حال حضور زنان در ورزشگاه‌های مردانه مسئله‌ای حیاتی محسوب نمیشود. بعلاوه اشکالات شرعی و جامعه‌شناختی فراوانی نیز در بر دارد.

در یک چنین فضایی عده‌ای سو استفاده گر و فرصت طلب صرفاً از این شعارها و گفته‌ها ارتزاق می‌کنند. فراقسیون زنانی که دختران ایلام را رها میکند، زنان سیستان را محور بحث‌های خود قرار نمی‌دهد، مصائب بانوان کردستانی را به بحث نمی‌گذارد به مسئله خانواده و جمعیت آن طور که باید اهمیت نمی‌دهد و هم و غم‌اش حضور یک اقلیت از زنان تهران نشین در ورزشگاه‌های مردان است، نه مسئله‌اش زن است و نه میتواند که باشد!



زن در آینه کتاب

✿ سمانه پورزارع

این کتاب به تمام علاقه‌مندان به حوزه زنان، خانواده و جامعه‌شناسی پیشنهاد می‌شود.

بخشی از کتاب

زن، آدم نیست؟ زن نمی‌تواند به چیزی علاقه‌مند باشد؟ برایش تلاش کند و با شوق آن زندگی کند؟ اگر نتواند هویتش را طبق چیزی که دوست دارد شکل دهد، پس چه تسلطی بر زندگی‌اش دارد؟ دیگر چگونه می‌تواند به نقطه مطلوب در جهان هستی برسد؟ این‌ها حرف‌های گنده‌تر از دهانم بود. قطعاً کودک یا نوجوان ده-دوازده ساله نمی‌تواند از بحران هویت در جامعه زنان صحبت کند و بخواهد حق برابرش با مردان را از جامعه مردسالار بازستاند؛ اما تمام این حرف‌ها فقط توی ذهنم بود؛ با ادبیات کودکانه خودم.

من جوابم به «بزرگ شدی می‌خوای چه‌کاره بشی؟» را بارها عوض کردم. اول اولش، یعنی وقتی خیلی بچه بودم، دلم می‌خواست بزرگ که شدم «مامان» شوم.

ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که آمیزه‌ای از نگاه سنتی و مدرن است دو نگاهی که هیچ‌کدام به تنهایی نتوانسته‌اند پاسخگوی سؤال‌ها، ابهام‌ها و نیازهای زنان باشند و زنان در سرگردانی میان فعالیت اجتماعی و مسئولیت‌های خانوادگی و نیاز به مادری در تکاپو هستند؛ یک بام و دو هواپیما که ایجاد تعادل در آن به سادگی میسر نمی‌شود. این بحران در سال‌های اخیر گریبان‌گیر بسیاری از دختران شده است. پیش از این کتاب‌های متعددی در زمینه هویت زن منتشر شده اما کتاب سرکار علیّه مباحث کلی و تئوری عرضه‌شده در این کتاب‌ها را در متن زندگی به صورت کاملاً عینی و روشن به تصویر می‌کشد و کمک می‌کند تا دختران بهتر و بیشتر دیده شوند و جامعه با دیدگاه دختران امروز آشنا تر گردد.

سرکار علیّه نوشته زهره عیسی خانی و ریحانه کشتکاران است. این کتاب شامل چند روایت مادر دختری با زبانی جذاب و خواندنی است که هویت زن را در جامعه‌ی ایرانی بررسی می‌کند.

مامان شدن همیشه توی ذهنم یکی از جواب‌های چه‌کاره‌شدن بود. کمی که بزرگ‌تر شدم، حدوداً کلاس سوم-چهارم ابتدایی، فهمیدم باید غیر از مامان شدن شغل دیگری هم انتخاب کنم. نمی‌دانستم غیر از مامان چه باشم؛ تا اینکه دورهٔ مطرح کردن پلیس زن در تلویزیون رسید و من مثل کسی که نیمهٔ گمشدهٔ خود را تازه یافته باشد تصمیم گرفتم بزرگ که شدم پلیس شوم. حتی خوشحال هم بودم که اگر پلیس شوم مجبور نیستم چادرم را در بیاورم. می‌توانم مثل این رزمایش‌هایی که چندی یک بار در تلویزیون پخش می‌شود چادرم را سر کنم و با زیپ‌لاین از بالا بیایم پایین، بعد از یک دیوار با طناب بالا بروم و تفنگی به دست بگیرم و محکم داد بزنم «الله اکبر، خامنه‌ای رهبر!»؛ همین قدر فانتزی.

اولین پلیس زنی که در سریال‌ها دیدم سروان صبا بود که نقش مهمی در تصمیم من داشت. هنوز هم نمی‌دانم فامیلی‌اش صبا بود یا در ادارهٔ پلیس

خانم‌ها را به اسم کوچکشان صدا می‌زنند. حتی دیگر نمی‌دانم که نام آن سریال چه بود؛ اما هر وقت پخش می‌شد، چادر و مقنعه می‌پوشیدم و جلوی تلویزیون ادای سروان صبا را درمی‌آوردم. مدارنگی‌هایم را با چسب نواری طوری به هم چسبانده بودم که شبیه گلت کمری شود. وقتی تنها بودم، سعی می‌کردم محکم و روی یک خط راه رفتن را تمرین کنم تا موقع رژهٔ نظامی دیگر نخواهم یاد بگیرم که روی خط راه بروم. جلوی آینه با خودم جدی و عصبانی حرف می‌زدم و دیالوگ‌هایی که پلیس زن ممکن است به کار ببرد را تمرین می‌کردم. حتی گاهی چادر و مقنعه به سر و با تفنگ مدارنگی‌ام پشت در خانه می‌ایستادم و پس از آنکه توی ذهنم رمز عملیات را می‌گفتم، سعی می‌کردم بدون آنکه کسی متوجه شود وارد خانه شوم. پشت میزها و ستون‌ها و دیوارهای خانه کمین می‌کردم و مجسم می‌کردم یک دشمن فرضی زن در خانه مخفی شده است و من رفته‌ام که او را با چند کیلو هروئین دستگیر کنم.

تکه های گمشده پازل قانون گذاری



در شرح یک بلا تکلیفی

از ازدواج آسان تا آرشیو بهارستان

تعهد در گرانبهای نمایش خانگی

جنگی به قدمت تاریخ معاصر

سیاست های کلی خانواده در ایستگاه

تلخ تراز کرونا

موانع مادری، مسائل اجتماعی

در شرح یک بلا تکلیفی

زهرا باقری بهلولی

تسهیل ازدواج چه می گوید؟!

قانون تسهیل ازدواج مشتمل بر ۱۳ ماده است.

مطابق ماده ۱ آن دولت موظف بوده صندوق اندوخته جوانان را تشکیل دهد و پس از گذشت سه ماه اساسنامه مربوط به آن را تدوین کرده و جهت تصویب به مجلس تقدیم کند. بعلاوه تهیه آیین نامه قانون نیز منوط به تصویب اساسنامه و پس از گذشت سه ماه بود که البته از همان ابتدا هیچ قدمی در این راستا برداشته نشد.

مطابق این قانون می بایست گزارش اجرای آن هر شش ماه یکبار توسط دولت تهیه و به کمیسیون فرهنگی مجلس تقدیم می شد. سوال اینجاست چرا در طی این مدت و در ادوار مختلف مجلس این موضوع پیگیری نشد؟

لازم به ذکر است دریافت گزارش و نظارت بر این قانون تنها محدود به دوره اول نبوده و مجلس تا کنون موظف به پیگیری این امر بوده است.

از مواردی که در محتوای قانون به چشم میخورد بحث مسکن است. دولت مکلف است از منابع پیش بینی شده و از صندوق اندوخته جوانان به متقاضیان وام ودیعه مسکن پرداخت کند. بعلاوه مکلف است که با کمک سایر نهادها از جمله بنیاد مسکن و... اقدام به ساخت مسکن موقت نماید و با اجازه مناسب به مدت سه سال به زوج های متقاضی اختصاص دهد. وزارت علوم و نهادهای آموزشی نیز موظفند اقدامات لازم را برای ساخت و واگذاری خوابگاه های متاهلی انجام دهند.

دولت میبایست در هر استان کمیته سامان ازدواج را تشکیل میداد. کمیته ای که متشکل از فرماندار، امام

در حال حاضر یکی از مهم ترین مسائل کشور در حوزه زنان و خانواده، بحث حمایت از تشکیل خانواده و تسهیل ازدواج جوانان است قضیه ای که با توجه به موانع موجود بر سر راه آن، تاکنون در نظر بسیاری فاقد اهمیت بوده و برای رفع مسائل مربوط به آن نیازمند اقداماتی به ویژه در حوزه قانون گذاری هستیم. در حال حاضر بخش زیادی از جمعیت کشور متشکل از جوانانی است که به دلایل مختلف از جمله مشکلات اقتصادی اعم از شغل، مسکن و... و عدم وجود سیاست های حمایتی در تجرد بسر میبرند و حدود ۱۳ میلیون از جمعیت کشور را تشکیل می دهند. بطوریکه اندک اندک این مسئله به بحران تبدیل شده و نگرانی های بسیاری را برانگیخته است.

عدم توجه به اسناد بالادستی موجود در این زمینه و اهمال در اجرای قوانین مربوط به تسهیلات ازدواج جوانان در حکم دامن زدن به بحرانی است که بر مسائل دیگر کشور از جمله جمعیت و ایجاد آسیب های فرهنگی و اجتماعی تاثیر خواهد داشت.

یکی از قوانین موجود در حوزه ازدواج، قانون تسهیل ازدواج جوانان می باشد. قانونی که تاکنون حدود ۱۵ سال از تصویب آن گذشته و با وجود اینکه نیازمند آیین نامه اجرایی پس از گذشت حدود ۶ ماه بود، بعد از تصویب مستقیماً به آرشو منتقل شده و همچنان بلا تکلیف باقی مانده است و هیچ اقدام جدی در راستای اصلاح و اجرای آن صورت نگرفته. درحالی که در صورت توجه، اصلاح و اجرا، می توانست چاره جوی بسیاری از مشکلات جوانان باشد چرا که تا حد بسیاری به چالش های پیش روی ازدواج جوانان پرداخته است.



موافقت فرمانده کل نیروهای مسلح اقداماتی از قبیل تعیین محل خدمت سربازان متاهل به محل سکونت و یا پرداخت مستمری متاهلین به میزان دو برابر سربازان مجرد انجام دهد.

بطور کلی با توجه به محتوای قانون و موادی از آن که به راحتی قابل اجرا و پیگیری بود شاهد این مسئله هستیم که نه تنها بطور کلی این قانون به فراموشی سپرده شد، بلکه تاکنون هیچ اقدامی در راستای اجرای موادی که به آیین نامه احتیاج نداشت و حتی به راحتی ممکن می شد از جمله خدمت سربازی و یا مباحث مربوط به فرهنگ سازی در سطح رسانه ملی و مشاوره و طرح مباحث تشکیل خانواده در کتب درسی متوسطه و... بطور جدی صورت نگرفته است. عدم پیگیری این قانون و دیگر قوانین مرتبط با آن نشان از این دارد که با وجود تاکیدات و مطالبات مقام معظم رهبری بر مسئله حمایت از خانواده و تسهیل ازدواج جوانان و با گذشت ۴ سال از ابلاغ سیاست های کلی خانواده، مسئله مذکور در حوزه اجرایی، قانون گذاری و نظارتی از هیچ اولویت و اهمیتی برخوردار نیست.

اساس کار در حوزه اجرایی و قانون گذاری تلاش در جهت رشد جامعه است و از همین جهت افرادی که در این حوزه صاحب مسئولیت اند موظف هستند در راستای اجرای وظایف و رفع مشکلات موجود در جامعه به آسیب شناسی پرداخته و اولویت ها را در نظر بگیرند. مسئله ازدواج جوانان از اولویت های امروز کشور است بنابراین میبایست به این مقوله از پنجره قانون و با نگاه به ابعاد مختلف آن توجه نمود تا نهایتاً قدمی در راستای رفع موانع و تسهیل ازدواج جوانان برداشته شود.

جمعه و رئیس شورای شهر بود و وظیفه نظارت بر روند اجرای قانون را بر عهده داشت اما به جهت عدم تدوین آیین نامه مربوط به قانون هیچ گاه تشکیل نشد و از جانب هیچ یک از نهادها و ارگان های مشمول این قانون نیز مطالبه ای در این راستا صورت نگرفت.

از دیگر مسائل مربوط به ازدواج جوانان هزینه مراسمات ازدواج و اشتغال آنان است.

قانون مذکور حتی در خصوص برگزاری مراسم ازدواج هم راه حل ارائه کرده است و کلیه دستگاه های دولتی و نهادهای عمومی و شهرداری هایی را که تسهیلات رفاهی دارند موظف کرده تا با هماهنگی کمیته سامان ازدواج به زوج های متقاضی خدماتی ارائه کنند.

بعلاوه دولت و نهادهای اجرایی میبایست در امر فرهنگ سازی و ارائه الگوهای مناسب، مشاوره و تصحیح باورهای غلط نسبت به ازدواج جوانان قدم برمی داشتند. امری که نیازمند تخصیص بودجه کلانی نبود و صرفاً با توجه مسئولان، ممکن میشد.

در خصوص اشتغال جوانان دولت میبایست تا مدت دو سال پس از تاریخ ازدواج مبلغی به عنوان کمک هزینه زندگی به صورت قرض الحسنه به خانواده های جوان در صورتیکه هیچ کدام از زوجین منبع درآمدی نداشته باشند پرداخت میکرد و متاهلین واجد شرایط را در اولویت دسترسی به فرصت های شغلی، وام اشتغال و مسکن قرار میداد.

این قانون حتی به مسئله خدمت سربازی نیز پرداخته است. ماده ۷، برای ترغیب جوانان به امر ازدواج و تشکیل خانواده وزارت دفاع را موظف کرده تا پس از

از ازدواج آسان تا آرشیو بهارستان...

✿ حانیه زرنگ

در قانون تسهیل ازدواج صحبت از تشکیل صندوقی است به نام صندوق اندوخته جوانان که بنا بود پس از گذشت ۳ ماه اساسنامه اش تهیه شده و به جهت تصویب تقدیم مجلس شود. اساسنامه ای که هیچ گاه تهیه نشد و در نتیجه هیچ گاه نوبت به تدوین آیین نامه اجرایی قانون نیز نرسید.

سال ۱۳۸۵ حدود ۳۲۰ میلیارد از بودجه کل کشور به این صندوق اختصاص یافت. اما مدتی بعد با تشکیل صندوق مهر امام رضا (ع) و ادغام با این صندوق اساسا مسئله اساسنامه نیز کاملاً فراموش شد.

البته در طول ۱۵ سال از عمر قانون تسهیل ازدواج، شاهد چند مرحله پیگیری اجرای این قانون بودیم اما هیچ گاه اقدامی جدی برای تعیین تکلیف این مسئله صورت نگرفت در نتیجه قانون مذکور بطور کلی فراموش شد گویی که از ابتدا آمده بود تا آرشیو مجلس را مزین کند.

نکته اینجاست که حتی با ابلاغ سیاست های کلی خانواده در سال ۹۵ و تصویب مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ قانون برنامه ششم توسعه نیز موضوع ازدواج جوانان و تحکیم خانواده بطور جدی پیگیری نشده است.

پس از مطالبه رهبری، در سال ۹۸ و واکنش هایی که در جامعه نسبت به این موضوع به وجود آمد، نهایتاً خانم سیاوشی نماینده و از اعضای فراکسیون زنان، از طرح شکایت مجلس به قوه قضائیه بابت عدم اجرای قانون تسهیل ازدواج خبر داد خبری که در ابتدای امر خوشحال کننده بود اما حائز نکات بسیاری است...

طبیعتاً حرکت مجلس دهم به سمت ازدواج جوانان حرکت مطلوبی بود اما چرا مجلس از ابتدای امر این قانون را در اولویت قرار نداد؟

سال ۹۷ بود که رهبر انقلاب در یکی از جلسات بررسی آسیب های اجتماعی نسبت به عدم اجرای قانون تسهیل ازدواج جوانان گلایه کردند.

قانونی که شاید تا آن زمان به گوش بسیاری از مسئولین ناآشنا بود. قانون تسهیل ازدواج مصوب سال ۱۳۸۴ که در حال حاضر حدود ۱۵ سال از تصویب آن می گذرد و در طی این مدت مدام میان دولت و مجلس دست به دست شده و تا کنون نیز تلاش جدی در زمینه اجرایی شدنش صورت نگرفته است.

اشاره رهبری به این موضوع گویی حرف دل جوانانی بود که نیازمند تسهیلاتی برای ازدواج بودند. بی توجهی به مسئله ازدواج جوانان این مفهوم را به ذهن میرساند که شاید در نظر برخی از مسئولین ۱۳ میلیون جوان مجرد، رقم قابل توجهی نباشد یا اصلاً مگر اینها هم باید ازدواج می کردند؟

اما زمانی که با طرح ها و لوایحی برخورد می کنیم که گاهی حتی بدون لحاظ آمار دقیق، پیگیری و حتی تصویب و اجرا می شوند یا موضوعاتی که قشر بسیار محدودی از جامعه را در بر می گیرند، به این پرسش میرسیم که اصلاً آیا موضوع ازدواج جوانان دغدغه ای همگانی است یا باید مجلس و دولت را از این امر مستثنی کرد؟!

برخی هم انگار توقع دارند در امر ازدواج از سنگ صدا بشنوند اما جوانان حق مطالبه چنین مسائلی را نداشته باشند.

باید گفت مسئله حمایت از جوانان در امر ازدواج نه تنها یکی از اولویت های کشور است بلکه مطالبه اصلی جوانان و به تبع آن مطالبه یک جامعه می باشد. اما هر چه تلاش می شود این مطالبه انگار به گوش مسئولین نمی رسد.

عدم اجرای این قانون معلول عوامل بسیاری است!



نیازمند اصلاحات بود پس اصلاً شکایت مجلس به قوه قضائیه نسبت به عدم اجرای این قانون لزومی نداشت. بعلاوه نهادهای مطروحه در قانون نیز میبایست نسبت به تعیین تکلیف این امر از جانب دولت و مجلس واکنشی نشان میدادند. وزارتخانه ها، استانداران، ائمه جمعه و ... که همگی جزو مشمولین این قانون بوده و تاکنون پیگیری چندانی نسبت به عدم اجرای آن نداشته اند.

باید توجه داشت نسبت به عدم اجرا و پیگیری قانون تسهیل ازدواج صرف دولت مسئول نیست. مجلس و فراکسیون زنان هم باید بپذیرد که در طول مدت فعالیت خود و حتی ماقبل آن پیگیری های لازم را انجام نداده است و وقت خود را صرف پرداخت به مسائلی کرده که از اولویت کمتری برخوردار اند. مجلس دهم هم با تمام این مسائل به پایان رسید و آن چه باقی است مطالبه مردم و رهبری در حوزه تسهیل ازدواج و حمایت از خانواده است.

مجلس دهم گذشت اما جوانانی که مشکل شان تسهیل ازدواج است باقی مانده اند. مجلس دهم رفت و آن چه هست مجلس جدید با کاهش ۴۰ درصدی ازدواج جوانان است. قانون تسهیل ازدواج ۱۵ ساله شد اما هنوز نه اجرای آن مشهود است و نه اصلاحاتی بر آن اعمال شده. باید توجه داشت مسئله، لحاظ کردن اولویت ها در روند قانون گذاری و البته میزان اثر بخشی قانون در جامعه نیز هست! در هر حال اکنون فرصت در اختیار مجلس یازدهم است که با توجه به معضل ازدواج جوانان و البته بحران کاهش جمعیت که بخش مهمی از آن با ازدواج جوانان حل شدنی است، جهت تسهیل ازدواج ۱۳ میلیون جوان ایرانی گام موثری بردارد.

چرا فراکسیون زنان مجلس با ۱۷ نماینده خانم در سال های گذشته وقت خود را صرف طرح مباحثی کردند که عموماً به تصویب نرسید و یا فاقد پشتوانه آماری دقیق و فقدان کارشناسی شده بود؟ مواردی از جمله طرح افزایش سن ازدواج، لایحه تامین امنیت زنان، قانون تابعیت و ... اما به این قانون که اتفاقاً اولویت بیشتری داشت اعتنایی نشد؟ از آن گذشته اگر بحث بر سر شکایت مجلس از دولت است چرا در تنظیم شکایت تنها به دولت نهم و دهم بسنده شد؟ مگر نه اینکه هم دولت و هم مجلس در تمامی این سال ها مسئول عدم پیگیری این قانون هستند؟

از دیگر سو اعلام می شود که قانون مذکور بار مالی داشته و دارای اشکالات فراوانی است که اجرای آن را ناممکن می کند. در این راستا هم باید گفت حقیقت این است که بخشی از محتوای قانون به جهت گذشت زمان مسلماً قابلیت اجرایی ندارند. از طرف دیگر هیچ کس ضعف موجود در قانون را نفی نمی کند قانون مذکور منابع مالی مشخصی ندارد که البته بخشی از آن طی تصویب آیین نامه مشخص می شد. بعلاوه این قانون صرفاً دولت را مورد خطاب قرار داده و همین امر باعث شده تا دولتها این قانون را دست بدست کنند و چون ضمانت اجرای مشخصی هم ندارد، برخورد قانونی موثری نسبت به متخلفین صورت نخواهد گرفت. اما حتی اگر قانون نیازمند اصلاح بود چرا در طی این چهار سال کوچکترین اقدامی برای اصلاح آن از جانب نمایندگان و به ویژه فراکسیون زنان صورت نگرفت؟

چرا پس از آن که اعلام شد قانون قابلیت اجرایی ندارد سعی نشد نسبت به تصحیح آن اقدامی صورت بگیرد؟ اگر نیاز به اصلاح قانون وجود داشت که البته قانون بی تردید

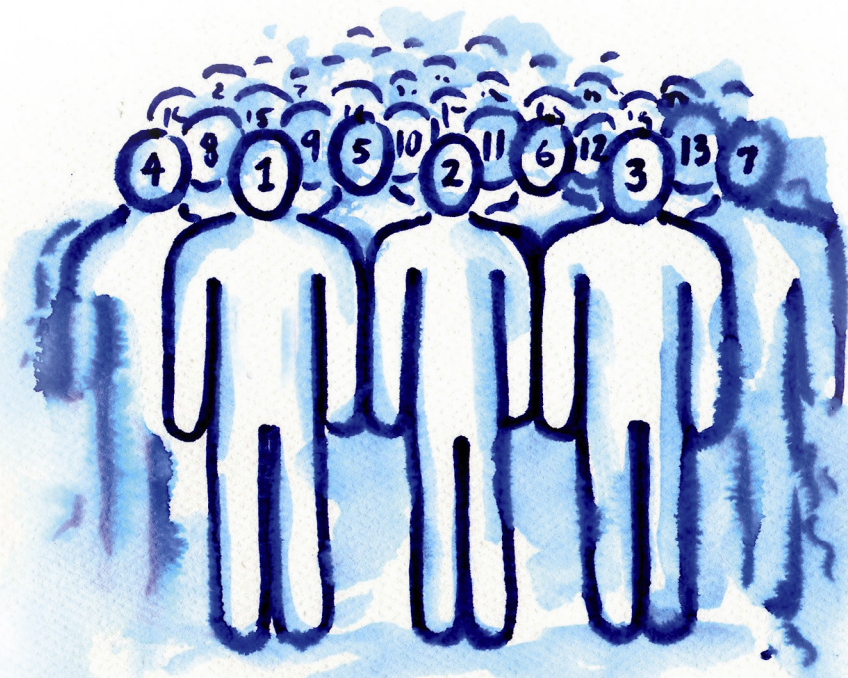


تعهد دُرّ گران بهای این روزهای شبکه نمایش خانگی

زهرا مشهدی

فیزیکی و.... آیا میتوان با وجود این صحنه ها ، جوانان را مواخذه کرد ؟
با وجود این قبح شکنی ها اصلا راهی برای امر به معروف و نهی از منکر باقی مانده است؟
محتوای این سریال ها در تضاد با عرف جامعه و مولفه های فرهنگی اجتماعی و حتی اقتصاد جامعه ماست.
فی الواقع ما شاهد کم رنگ شدن و یا اصلا نادیده گرفته شده فرهنگ خود در این سریال ها هستیم.
در شرایطی که این سریال ها می بایست موجب دور هم جمع شدن اعضای خانواده و پرکردن اوقات فراغت اعضا باشد متأسفانه بالعکس موجب به سردی گرییدن روابط و به وفور احساس کمبود مردم در زندگی شان شده است.
باید گفت فضایی که خود با توجه به ظرفیت هایش توانایی تولید آثار غنی فرهنگی و نزدیک به سطح زندگی مردم را دارد در غفلت برخی از مسئولین تبدیل شده است به تبری برای تخریب فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی و البته مروج فرهنگ غربی! برای دریافت این مطلب کافیست به نقش زن این سریال ها نگاهی بیندازیم تا دیدگاه کالایی به زن را که از فرهنگ غربی نشأت میگیرد در آثار خودمان ببینیم.
وزارت ارشاد مسئول اصلی نظارت بر نمایش خانگی است بنابر گفته وزیر ارشاد شورای نظارت مثل گذشته کارها را ارزیابی می کند. این در حالی است که شاخص نظارت بر شبکه خانگی همچنان مشخص نیست بنابراین در این حوزه دقت جدی مسئولان ذربط نیاز است تا در نهایت با نظارت بر شبکه نمایش خانگی به تحکیم بنیان خانواده و تقویت فرهنگ ایرانی اسلامی کمک شایان گردد نه بالعکس.

"سن زیاد، انتخاب اشتباه، راه اشتباه، ازدواج غیر متعارف" این واژگان تراوشات ذهن بنده از مقوله سریال های شبکه نمایش خانگی نیست این ها واژه های نام برده شده توسط کاراکتر و شخصیت های اصلی خود این فیلم هاست.
گذشته از این، عادی سازی روابط، خیانت به همسر ، و یا حتی ترویج زندگی های مرفه و به دور از سطح زندگی اکثر مخاطبان این سریال ها و... از معایب آن هاست و اگر بخواهیم تمام کاستی های آن را نام ببریم بی شک زمان زیادی لازم است تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. خانواده با ایجاد عشق و تعهد میان زوجین تشکیل می گردد.
واژه تعهد در این مقوله بار سنگینی به دوش می کشد، به معنای پذیرفتن عشق و بر عهده گرفتن وظایفی نسبت به طرف مقابل است. حال با وجود دیدن این صحنه ها مثلا خریدن همسر، چک در ازای فرزند، بر هم زدن عروسی به راحتی آب خوردن چه بر سر تعهد و عشق میان اعضای خانواده خواهد آمد؟ با توجه به شرایط معیشتی کنونی مردم و در نظر گرفتن سطح اکثریت جامعه این تجمل گرایی که شاهد آن هستیم تاثیر زیادی روی روابط و توقعات اعضای خانواده از هم خواهد گذاشت. آیا بهتر نیست کمی نزدیک تر به عرف جامعه عمل شود؟ خانواده به عنوان اصلی ترین رکن و نهاد تربیتی و تعهد در جامعه است.
حال عادی سازی این ازدواج های ناموفق و یا بر هم زدن آن و حتی عادی جلوه دادن روابط حتی میان اشخاص متاهل چه تبعاتی در پی خواهد داشت؟
از بعد اجتماعی ارتباط میان دو نامحرم و یا حجابی که نبود آن سنگین تر و عاقلانه تر است و یا عادی بودن برخورد های



جنگی به قدمت تاریخ معاصر نگاهی به جنگ تمام عیار جمعیتی علیه ملت ایران

امیررضا بخشی پور

تحصیلات عالیه این علم با گرایش هایی نظیر مطالعات جمعیت و یا جمعیت شناسی سیاسی روبرو میشویم که به بررسی کنش های جمعیت های مختلف میپردازد.

پنتاگون، عامل اصلی کنترل جمعیت طبق گزارش CIA در کتاب دیکتاتوری کارتل ها دفتر تحقیق و عملیات دانشگاه های آمریکا برای اولین بار در سال ۱۹۲۷ مامور به طرح ریزی تئوریک تنظیم خانواده میشود که این طرح ریزی نزدیک به دو دهه به طول می انجامد و تا سال ۱۹۴۸ و پس از جنگ جهانی به طول می انجامد و نهایتاً قراردادی بین ارتش ایالات متحده و دانشگاه های آمریکا منعقد میگردد که منجر به تاسیس رشته ارتباطات و سلامت عمومی میگردد.

فارغ التحصیلان این رشته موظفند که به تحقیق و تنظیم امور جمعیتی و به منظور تامین منافع یالات متحده بپردازند. لذاست که باید اذعان نمود که مباحث مربوط به جمعیت و خانواده در جهان از نگاه دولتمردان آمریکایی مساله ای کاملاً امنیتی است و پیوندی تنگاتنگ با امنیت ملی این کشور دارد. همچنین قابل ذکر است که این مطالعات جمعیتی در آمریکا پس از تکمیل تبدیل به عملیات هایی میشود که طبق اسناد پنتاگون زیر نظر پنتاگون اجرا میگردد.

همچنین قابل ذکر است که عمده فعالیت های مربوط به مسائل جمعیت شناختی زیر نظر مرکزی تحت عنوان CMOC یا مرکز عملیات های نظامی و غیر نظامی آمریکا انجام میشود. طبق تعاریف این مرکز تمامی سازمان های بین المللی بایستی

در علم جمعیت شناسی شاخصی به نام welltime وجود دارد که طبق این شاخص اگر کمتر از ۲۰ درصد جامعه را افراد زیر ۱۵ سال تشکیل ندهند آن جامعه روند پیری خود را آغاز نموده است و این مساله دقیقاً همان چیزی است که حتی از همین الان نیز بعضی از شهرهای ایران با آن دست و پنجه نرم میکنند و این مهم خود نشان دهنده آن است که هم اکنون مساله جمعیت کشور و پیر شدن ایرانیان نه تنها از یک خطر بالقوه عبور کرده است بلکه در بعضی از موارد نیز وارد فاز بحران و تهدید گردیده ایم و تلاش های آتی را نه برای جلوگیری از این بحران بلکه برای کنترل و مهار این بحران باید آغاز نمود

بررسی و ارائه راهکار برای کاستن از عمق این خطر، نیازمند ساعت ها مطالعه و ارائه راهکارهای دقیق و صدالبته آسیب شناسی تاریخ طی شده در مبحث جمعیت است که هدف از نگارش این مقاله پرداختن به مورد اخیر با رویکرد امنیت محوری میباشد.

جمعیت همواره یکی از مهم ترین مولفه های علم سیاست و از مهم ترین عوامل کیفیت حکمرانی بوده است؛ لذاست که در طول تاریخ مهم ترین کشورهای جهان که به نوعی صاحب هژمونی برتر شده اند علاوه بر دارا بودن مولفه هایی نظیر قدرت نظامی برتر و موقعیت ژئوپولتیک خوب از جمعیت زیاد و توانمند برخوردار بوده اند و همچنین کشورهای ضعیف نیز عمدتاً از فقر جمعیتی و خلاء نخبگانی رنج میبرده اند.

اهمیت جمعیت در علم سیاست تا بحدی است که در



جمعیت در جهان را بر عهده گرفته است و یا موسسه ای دیگر... موظف است به اتکای شبکه عظیم جهانی خود در دنیا مواد ضد بارداری را تولید و با نظارت موسسه همکاری های آمریکایی برای تاثیر در کشور های هدف توزیع نماید. از دیگر طرح های آماده شده توسط این موسسه طرح فاصله انداختن بین زایمان های زوجین موسوم به طرح MBS میباشد.

۲- سازمان های بین المللی:

طبق دستور العمل ذکر شده در مرکز CMOC آمریکا تمامی سازمان های بین المللی نظیر سازمان ملل، یونسکو، سازمان بهداشت جهانی، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول موظف هستند در کنترل و تنظیم و در نهایت کاهش جمعیت

کشورهای مورد هدف ایلگالات متحده نقش ایفا نمایند

۳- نبرد فرهنگی و رسانه ای بر روی کشورهای هدف

CMOC تاکید میکند که مهم ترین بخش در کنترل جمعیت کشورهای نامطلوب برای ایالات متحده پرداختن به نبرد فرهنگی می باشد و از این روی از اندیشکده ها و مراکز مطالعات فرهنگی و اجتماعی آمریکا میخواهد که به ایجاد محتوا برای این نبرد فرهنگی بپردازد تا اینکه در بلند مدت بتوانند نظام اندیشه ای مسلمانان را در مبحث فرزند آوری و ازدیاد نسل تغییر دهد.

این مرکز از مهم ترین مولفه هایی که برای ترویج آن برای کنترل موالید و جمعیت ضروری میداند عبارتند از:

الف) تاکید بر اهمیت منافع اقتصادی نسبت به مصالح اجتماعی

در جهت تامین منافع آمریکا و با تبعیت از دکترین امنیت ملی آمریکا فعالیت نمایند.

به عنوان مژده طبق مصوبات گروه بیلدربرگ در نشست سال ۱۹۹۰ یکی از مهم ترین روش ها برای تقابل با مسلمانان و تسلط بر نفت خاورمیانه؛ ایجاد جنگ و خود کشی در خاورمیانه میباشد که نتایج آن را میتوان در حمله آمریکا به عراق و افغانستان، ناامنی های همیشگی کشورهای خاورمیانه و ایجاد گروه های اربابی و تکفیری نظیر داعش که به قتل عام چندین میلیون انسان مسلمان انجامید مشاهده نمود. طبق تعریف CMOC برای کنترل جمعیت کشورهای مسلمان باید سه دستور العمل مهم را در نظر گرفت که این سه عبارتند از

۱: هدایت و جهت دهی مدیریت سیاسی کشورهای اسلامی توسط مدیران داخلی (ایجاد جنگ شناختی Cognitive warfare)

طبق این دستور العمل مراکز مختلف ایده پردازی و دستگاه های امنیتی اربکا موظف هستند تا مقدمات لازم برای باور پذیری مدیران سیاسی کشورهای اسلامی نسبت به کاهش جمعیت را فراهم نمایند.

همچنین؛ دستگاه های ایالات متحده موظف هستند پس از تسلط بر اندیشه و تصمیم مدیران کشورهای اسلامی طرح هایی را برای کنترل و تنظیم جمعیت ارائه نمایند. بعنوان مثال موسسه همکاری های آمریکایی (آژانس رشد و توسعه بین المللی آمریکا-USAID) هزینه تمامی طرح های کاهش



از آن جایی که جمهوری اسلامی به عنوان مرکزیت مقاومت اسلامی مطرح است دستگاه های مربوطه برای تحقق کنترل جمعیت در جمهوری اسلامی بیشتر میپردازند، به عنوان مثال برژینسکی مشاور امنیت ملی سابق امریکا با تاکید بر نقش جمعیت ایران در مصاحبه ای در زمستان ۸۸ میگوید:

از فکر کردن به حمله پیش دستانه به تاسیسات اتمی ایران اجتناب کنید و گفت و گو ها با تهران را برقرار کنید و بازی طولانی مدتی را شروع کنید چون زمان در تغییر و تولید نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست (تاکید توامان بر کاهش موالید و جنگ نرم)

حال با قید این مقدمه به تشریح تاریخ جمعیت ایران میپردازیم در سال ۱۳۳۵ دانشجویان مدرسه مددکاری متوجه این مسئله می شوند که بین تعداد فرزندان و فقر در خانواده رابطه مستقیمی حاکم است بدین صورت که هر چه تعداد فرزندان در یک خانواده بیشتر می شود میزان فقر نیز در آن خانواده بیشتر می گردد بلافاصله پس از انتشار چنین گزارش هایی پزشکی به نام کلرنس گمبل به در خواست ایران فردی به نام ادیث گیتس را به تهران فرستاد تا تحقیقاتی پیرامون کنترل جمعیت در ایران را آغاز کند پس از بررسی اولیه و همراهی حکومت پهلوی سازمان های رژیم نظیر سازمان شاهنشاهی انجمن ملی حمایت از کودکان خیریه فرح پهلوی جمعیت شیر و خورشید و با مدیریت فردی به نام فرمانفرمایان در سال ۴۳ واحد حمایت از مادر و کودک را در وزارت بهداشت وقت تشکیل دادند و به توزیع قرص های

(ب) تضعیف ارزش های اخلاقی حاکم بر جامعه از طریق تغییر سبک زندگی، ترویج همبازی و روابط آزاد جنسی به جای ازدواج و تثویز نمودن ناهنجاری های جنسی نظیر همجنس گرایی، هم باشی و... از طریق نخبگان اجتماعی

(ج) ترویج اومانیزم و فردگرایی (Individualism & Humanism):

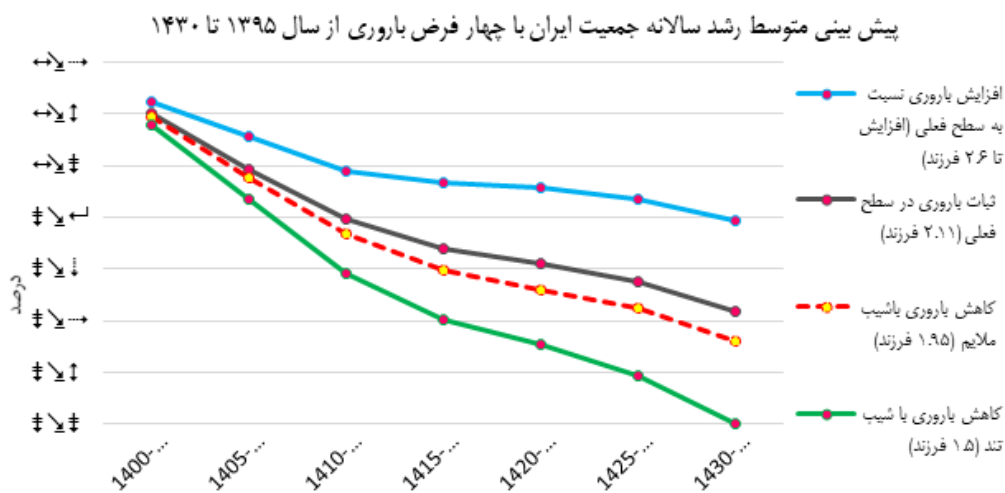
از مهم ترین عوامل جلوگیری از تشکیل خانواده می توان به ترویج روحیه فرد گرایی و اگوستریستی (خود محوری) اشاره نمود که در تقابل با نگاه دین و حتی سنت، فرد را از تشکیل خانواده که بر پایه فداکاری و ایثار استوار است دور میکند

(د) توسعه مصرف گرایی و ترویج روح سوداگر
(ه) جا انداختن عدم مغایرت دین با کنترل جمعیت و موالید برای جوامع مسلمان

(ی) تاکید بر آزادی و استقلال زن در امور بارداری و برجسته نمودن نقش کاری وی به جای نقش مادری:

به عنوان مثال کمیته ای تحت عنوان CEDAW یا کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض از زنان رسالت خود را تاکید بر استقلال زن از تعهدات زنانشویی، آموزش جنسی و کاهش فرزند آوری و تبلیغ وسایل ضد بارداری همراه با تاکید بر هویت اجتماعی زنان یا همان تاکید بر نیروی کار بودن آنان و تعارض آن با نقش مادری نموده است

لازم به ذکر است تالیف تلخیص گونه این اقدامات تاکیدی بود بر اهمیت مبحث جمعیت از نگاه دولت آمریکا و تاثیر مسائل جمعیت در ایجاد ده ها کارگروه، کنوانسیون، کمیته و سازمان که زیر نظر پنتاگون به فعالیت میپردازند و صد البته



اسپریم کش در بازار بهداشت ایران روی آوردند. در سال ۴۶ پست معاونت برای تنظیم خانواده تاسیس شد و سپس شورای جمعیت نیویورک نیز برای نظارت به مسئله تنظیم جمعیت در ایران بود کرد و پس از آن قوانینی در جهت تسهیل کنترل موالید نظیر افزایش حداقل سن ازدواج و تسهیل در طلاق ایجاد شد همچنین مستشاران آمریکایی طبق تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که یکی از مهمترین دلایل فرزندآوری بالا در بین ایرانیان ترس از مشکلات سنین پیری در بین والدین بوده است لذا به سرعت صندوق بازنشستگی را تاسیس کردند تا تسهیلات و خدمات آن را جایگزین فرزندآوری در بین والدین ایرانی قرار دهند.

همچنین با جدی تر شدن برنامه کنترل موالید در ایران اقداماتی نظیر .

تامین دارو برای جلوگیری از باروری زوجین در ۱۷ میلیون بار مراجعه آموزش ۱۶ هزار کادر پزشکی و ۲۲۰ هزار نفر نیروی کادر درمان برای اجرای طرح تنظیم خانواده اجرای ۷۵ پروژه بزرگ مطالعاتی در راستای کنترل جمعیت صورت گرفت و در سال ۱۳۵۰ اولین گام قانونی عقیم سازی افراد برداشته شد و در برنامه پنجم ایران موفق شد تا از تولد یک میلیون و ۳۰۰ هزار کودک پیش بینی شده ممانعت به عمل آورد.

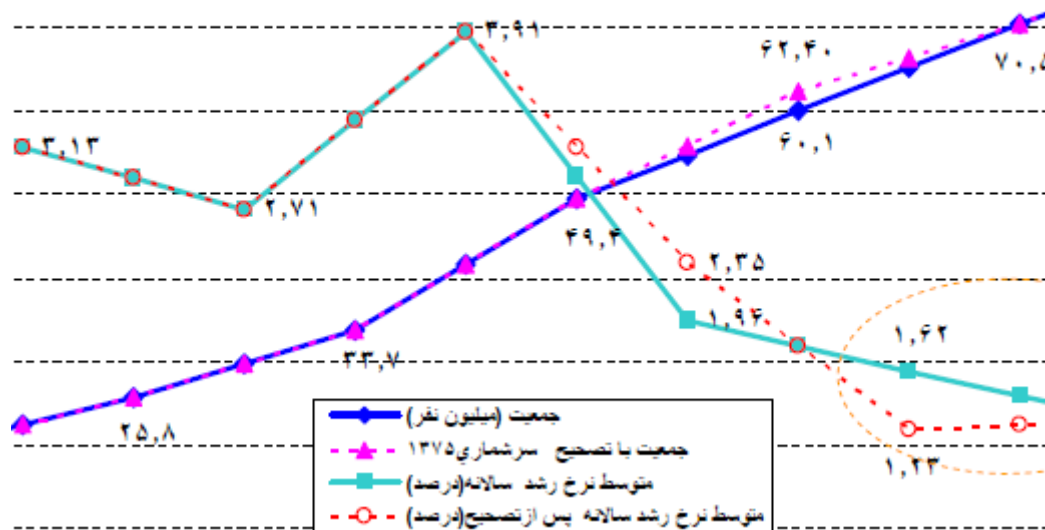
و مسئولان وقت پیش بینی جلوگیری از تولد ۲ میلیون نوزاد را در برنامه ششم در نظر گرفتند و در نتیجه تمامی این اقدامات همه جانبه حکومت پهلوی در آستانه انقلاب اسلامی توانست نرخ نرخ رشد جمعیت را که در سال ۳۵_۴۵ به سه و دو دهم می رسید به ۲۶ دهم در سال ۵۵_۴۵ برساند و عملاً طرح کنترل جمعیت ایران با موفقیت به اجرا درآمد.

با وقوع انقلاب اسلامی طرح کنترل جمعیت با تعویق روبرو

شد و از آنجایی که هنوز ذائقه مردم ایران تغییر نکرده بود و مردم به طرح کنترل موالید با ظن منفی می نگریستند فضا برای رشد دوباره موالید در بین خانواده های ایرانی فراهم گردید همچنین آغاز جنگ تحمیلی علیه ایران موجب شد تا دولت ایران نیز بیش از پیش به ازدیاد نسل روی آورد به گونه ای که در سال های دهه شصت دولت اقدامات عملی را برای حمایت از خانواده های صاحب فرزند و نوزادان فراهم آورد حمایت دولت از خانواده ها در مسائل معیشتی و اقتصادی که در قالب تعاونی ها و کوپن ها صورت می گرفت موجب شد تا خانواده ها به نقش دولت در تامین معیشت ایمان بیاورند و در کنار آن ترویج مسائل اعتقادی نظیر تاکید دین اسلام به کثرت جمعیت و همچنین مسائل دیگری نظیر رشد چشمگیر بهداشت در پس از انقلاب کاهش مرگ و میر مهاجرت گسترده به ایران موجب شد تا با رشد جمعیت در دهه ۶۰ مواجه شویم و در مجموع در دهه شصت دولت ایران سیاست انبساطی در رشد جمعیت را در نظر گرفت.

با پایان جنگ و آغاز سیاست های دولت سازندگی و حاکم شدن نگاه توسعه محور بر دولت ایران بار دیگر مولفه جمعیت فراوان و رشد موالید به عنوان یک عامل مزاحمت برای رسیدن به دروازه های توسعه و رفاه مطرح شد عقب ماندگی های ناشی از جنگ طولانی مدت نیز در تمیق این دیدگاه بین سیاستمداران ایران موثر بود به گونه ای که جمهوری اسلامی با همکاری مراکز بین المللی نظیر یونسکو همت ویژه برای کنترل موالید در پیش گرفت.

سیاست های دولت نظیر عدم حمایت از فرزند های سوم به بعد در کنار بسته های تشویقی برای خانواده هایی که قصد کنترل موالید را داشتند نظیر اهدای ۵ هزار ریال برای



طرف آنها پیشنهاد می شد از جمله برنامه کنترل جمعیت با سوءظن مردم همراه بود، لذا عدم استقبال مردم بیشتر به دلیل سوءظن آنها نسبت به دستگاه حکومتی بود»

علی رغم موافقت بسیاری از علما در مورد برنامه های تنظیم خانواده در سالهای پس از جنگ، افرادی با اجرای این برنامه ها مخالفت کردند. یکی از روحانیون مخالف حاج سید محمدحسن حسینی تهرانی بود. بررسی نظرات علما در مورد برنامه های تنظیم خانواده حاکی است که اولاً؛ نظرات علمای مذهبی موافق با برنامه ها انعکاس بیشتری در جامعه داشته است. ثانیاً؛ به دلیل این که روحانیت و علمای مذهبی بعد از انقلاب نقش مهمی در ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه داشتند، نظرات آنان بیشتر ملاک عمل قرار گرفت. ثالثاً؛ طرح مسائل و مشکلات جمعیتی و ضرورت اعمال برنامه های کنترل جمعیت در مساجد و نمازجمعه و سایر مراسم مذهبی دلیل دیگری بر تبلیغ این برنامه ها و پذیرش آن توسط مردم و خانواده ها بود.

مجموع اقدامات فوق و غفلت مسئولین از آثار مخرب کنترل افراطی نرخ رشد موجب شد تا در اواخر دهه ۸۰ جمعیت شناسان نسبت به آثار پیری در سالهای آتی هشدارهایی را دهند. هشدارهایی که بلافاصله مورد تاکید و تایید رهبر انقلاب قرار گرفت. حال پس از گذشت حدود یک دهه از هشدارهای مکرر رهبر معظم انقلاب همچنان نه تنها تغییر ویژه ای در رشد جمعیت دیده نمیشود بلکه متأسفانه آمار سالانه رشد جمعیت هر ساله از سال قبل نگران کننده تر می باشد. عدم اهمیت به این نیاز مهم موجب شده است که جلوگیری از مخاطرات پیری جمعیت تنها در یک برنامه عملیاتی اضطراری و با همت و عزم همگانی دستگاه ها و همچنین تعمیق گفتمان عمومی ازدیاد نسل صورت پذیر باشد.

خانواده هایی که قصد وازکتومی دارند یا در اولویت قرار دادن خانواده های همسو با طرح برای دریافت وام مسکن و درمان و انواع تسهیلات موجب شد در دهه ۷۰ با سقوط عجیب میزان مولید روبه رو شویم تا جایی که کنترل جمعیت در ایران به بزرگترین کنترل جمعیت در قرن تغییر گردید .

مراکز بین المللی از کنترل جمعیت در ایران به انقلاب دیگر تعبیر نمودند و حتی ایران که قصد داشت در اولین هدف رسمی خود برای کنترل جمعیت میزان نرخ مولید را از شش فرزند در سال ۱۹۸۰ به چهار فرزند در سال ۲۰۱۱ برساند توانست ۱۱ سال قبل از موعد و در سال ۲۰۰۰ میزان مولید را به دو فرزند از هر زن برساند .

استفاده بیش از ۷۰ درصد از زنان از روش های جلوگیری از بارداری موجب شد که خانواده ایرانی در صدر استفاده از این روشها در میان کشورهای در حال توسعه قرار بگیرد .

مسئله مهم دیگری که باید مورد توجه قرار بگیرد میزان اعتماد عمومی مردم به طرح هایی بود که پس از انقلاب رخ داد زیرا که مردم هم در دهه ۶۰ و هم دهه ۷۰ با سیاست های انبساطی و اقباضی دولت درباره رشد جمعیت همراهی نمودند و این مساله دقیقاً نقطه مقابل آن یعنی عدم اعتماد مردم به دستگاه در سال های قبل از انقلاب را می رساند .

آیت الله مکارم شیرازی در یک مصاحبه در مورد عدم استقبال مردم از برنامه های تنظیم خانواده قبل از انقلاب اسلامی، به سیاسی بودن این برنامه ها اشاره و اظهار داشتند: «در دوران قبل از انقلاب به همه مسائل با سوءظن نگریسته می شد، زیرا خارجی ها بر ما مسلط بودند و مستشاران آمریکایی تقریباً در تمامی تشکیلات ما حضور داشتند و هر برنامه ای که از



سیاست‌های کلی خانواده در ایستگاه بهارستان

سیده فاطمه محمدی

تصمیم‌ساز نظام جدی تلقی نشده است. مجلس یازدهم با محور قرار دادن خانواده در طرح‌های خود می‌تواند طی سال‌های پیش روی فعالیت خود گفتمان خانواده محوری را ابتدا در مجلس و در ساحت قوانین و سپس در دولت و دیگر دستگاه‌های اجرایی جا بیندازد.

همچنین مجلس باید در ساحت تقنین و نظارت شرایط را برای جلوگیری از تزلزل نهاد خانواده پس از تشکیل آن فراهم نماید. هر چند دستگاه‌های مختلفی نقش‌ها و وظایف متعددی را در امر خانواده دارند اما عدم تمرکز و موازی کاری آنان در کنار عدم امنیت دیگر دستگاه‌ها به این مهم موجب گردیده است که به این نقش‌ها و وظایف به خوبی عمل نشود.

از مهمترین وظایف مجلس یازدهم ساماندهی نظام مشاوره و آموزش قبل حین و پس از تشکیل خانواده و تسهیل دسترسی به آن است که این نظام مشاوره ای با تقسیم تهدیدات علیه خانواده در دو حوزه تهدیدات درون خانوادگی و برون خانوادگی باید طرح‌هایی را در جهت جلوگیری از زورگویی، بی محبتی اعضا به همدیگر، هزینه‌های مضر در اقتصاد خانواده، دخالت نهادهای فرا خانواده، بدحجابی و آزادی‌های جنسی فراهم آورد و در مقام شور به مجلس شورای اسلامی تجلیل دهد. از دیگر نکات اشاره شده در سیاست‌های کلی خانواده که موجب مانور جریان فمینیسم و غرب‌گرا بر روی معضلات ناشی از آن شده است مسئله ی زنان بدسرپرست و یا خانواده‌های زن سرپرست است هرچند قوانین مختلفی در ادوار گذشته برای حمایت از این معضل مهم تصویب گشته است اما عدم تحقق آنان یا کمبود قوانین مکمل موجب فشار روز افزون علیه این خانواده ها گردیده است که نگاه ویژه مجلس به این مسئله مهم می‌تواند گره‌گشای برخی مسائل در این امر گردد.

شهریورامسال پنجمین سال است که از ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده از سوی رهبر انقلاب می‌گذرد و این مناسبت می‌تواند بهانه خوبی برای طرح دوباره این سیاست‌ها و اشاره به نقش مغفول مانده مجلس در تحقق آنها باشد تاکید مداوم رهبری معظم انقلاب بر اهمیت خانواده را تنها در موارد مقطعی و با نگاه سنتی نسبت به حفظ خانواده نمی‌توان نگرست بلکه نگاه منظمه‌ای به سخنان ایشان درباره خانواده را می‌توان در چارچوب مهم ترین عامل در تحقق تمدن تراز انقلاب اسلامی نگرست و از این روست که می‌توان تحلیل نمود که رهبر معظم انقلاب در تمامی صحبت‌های مربوطه و حتی در سخنان اخیر ایشان در جلسه مجازی با دانشجویان تمامی کم‌کاریهای نظام اسلامی پیرامون این مهم را پذیرفتند و غیر کردند که در این زمینه هر آنچه که کار شود باز هم کم است. ایشان خانواده را سلولی از پیکره اجتماع می‌دانند که سلامت و یافت در آن به سلامت و آفت در اجتماع منجر می‌شود توجه مجلس یازدهم به مقوله خانواده و همچنین

شماره‌های طرح شده نمایندگان در زمان انتخابات موجب گردیده است و توقف و رصد عملکرد نمایندگان در این حوزه رشد کند لذا است که ضرورت بررسی دقیق‌تر و تشکیل کمیسیون خانواده از سوی مجلس برای پیشبرد اهداف سیاست‌های کلی خانواده ضروری می‌نماید علی‌الخصوص که به نظر می‌رسد برخی از مولفه‌های پیدا شده در این سند به طور مستقیم مجلس را مورد تخاطد قرار داده است.

به عنوان مثال بند دوم این سند به محور قرار گرفتن خانواده در قوانین و مقررات برنامه سیاست‌های اجرایی و تمامی نظامات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به ویژه نظام مسکن و شهرسازی تاکید دارد حال آنکه به نظر می‌رسد این محوریت هنوز برای هیچ یک از ارگان‌های تصمیم‌گیری یا

تلخ تر از کرونا - مژگان صلایی

مژگان صلایی

برای رسیدن به رکورد تاریخی و ناراحت کننده پیرترین کشور دنیا، فقط ۳۰ سال زمان وجود دارد. یعنی برای مبدل شدن به یک کشور ضعیف و فرتوت مدت زمان کمی متوجه نسل حاضر و آینده است. از طرفی فرصت برای جبران بسیار محدود و رسیدن به زیر ساخت‌ها زمان بر است. آمارهای وحشتناکی که فرا بحران را نشان می‌دهد برای از بین بردن یک کشور کافی است. مسئله «جمعیت»، به عنوان موضوعی استراتژیک، یکی از مهم‌ترین نقاط قوت کشورها برای رشد و توسعه به حساب می‌آید. پیر شدن جمعیت خطرناک‌تر از بمب ساعتی است، بمبی که به مرور و نه یکباره امنیت یک سرزمین را از بین می‌برد. موضوعی که در پیام مشاور عالی وزیر بهداشت به مناسبت روز ملی جمعیت، تلخ‌تر از کرونا دانسته شد. تلخی که مزاج ایران را تغییر خواهد داد و اگر فکری به حال آن نشود ابدی خواهد شد.

حل بحران مذکور که می‌تواند تمام موفقیت‌های این سرزمین کهن را در طول دهه‌ها سال از بین ببرد نیاز به همتی جمعی و تلاش جدی مسئولان دارد.

زنگ خطر به صدا درآمد

بر اساس مطالعات جمعیت شناسی و طبق آمار بانک جهانی، متأسفانه، نرخ باروری در ایران ۱/۸ درصد است که کمتر از نرخ جانشینی ۲/۱ درصد است در صورت تداوم روند فعلی باروری، رشد جمعیت کشور در حدود سال‌های ۲۰ - ۱۴۱۵ به صفر خواهد رسید. پس از آن منفی شده و جمعیت سالمندان به ۳۲ درصد افزایش می‌یابد و تا سال ۱۴۳۰ اگر این روند تغییر نکند، در ایران هرگز نرخ رشد جایگزینی بالاتر تجربه نخواهد شد و ساختار جمعیت در ۲۰ سال آینده به سمت سالخوردگی خواهد رفت. از سوی دیگر متخصصین جمعیت شناسی معتقدند که در حال حاضر کشور در شرایط فقر جمعیتی نیست و در عین حال ایران از سال ۱۳۸۵ وارد فاز پنجره جمعیتی شده است که این پنجره حدود ۴ دهه باز می‌ماند و تقریباً در سال ۱۴۲۵ بسته می‌شود. اما متأسفانه امسال آمار بسیار نگران کننده‌تر از سال‌های گذشته است. برخلاف هر ساله که رشد جمعیت یک درصد بود هم اکنون به زیر یک درصد رسیده، یعنی کاهش ۱۷۰ هزار توله.

از جمله دلایل بروز چنین مشکلی (۱) کاهش ۴۰ درصدی ازدواج (۲) تاخیر در زمان فرزندآوری (فاصله زمانی زیاد از ازدواج تا اولین بارداری ۵/۵ تا ۵ سال) (۳) فاصله زمانی زیاد تا بارداری دوم (۴) تحصیل، اشتغال، خدمت سربازی و سایر علل فرهنگی و اقتصادی از جمله دلایل این معضل است. (۵) مسئله دیگر ناباروری زوجین است. هزینه درمان ناباروری و بیماری‌های مربوط به آن و بیمه نبودن از جمله مشکلات مهم در این مسئله است. ناباروری یکی از موانع افزایش جمعیت است که درمان آن می‌تواند تأثیر مهم و قابل توجهی بر بحران جمعیت در کشور بگذارد. برای درمان ناباروری هر زوج، باید ۳ بار درمان پیشرفته با احتمال موفقیت ۳۰ الی ۴۰ درصد را انجام دهند، هزینه هر سیکل در مراکز دولتی ۷ تا ۸ میلیون و در مراکز خصوصی ۱۸ میلیون تومان می‌شود که برای انجام ۳ سیکل در مراکز دولتی ۲۱ تا ۲۴ میلیون و در مراکز خصوصی ۴۹ تا ۵۴ میلیون تومان می‌شود؛ که این مبلغ بدون احتساب هزینه‌های داروهای جانبی، رفت و آمد از شهری به شهر دیگر، اقامت و خوراک و... محاسبه شده است.

گفتنی است برای درمان ناباروری ۳/۵ میلیون نفر به ۵ هزار میلیارد تومان نیاز است، ولی در حال حاضر امکانات درمانی برای درمان ناباروری در کشور مناسب برای ۳۳ هزار سیکل در سال است یعنی برای ۱۰ هزار نفر، همچنین در کشور با کمبود متخصص در این زمینه مواجه هستیم.

در حال حاضر وزارت بهداشت برای درمان ناباروری ۲۰۰ میلیارد تومان اختصاص داده است، اما مشکل اینجاست که وزارت بهداشت این مبلغ را در جای خود هزینه نمی‌کند و پاسخگویی و شفافیت لازم در این زمینه وجود ندارد.

زمانی که صحبت از کاهش محسوس جمعیت می‌شود باید این موضوع را به تمام ابعاد جامعه تعمیم داد و نباید سیاست‌های جمعیتی را فقط در بحث‌های کنترل مولید منحصر کرد بلکه مستلزم نگاه جامع‌تر به مباحثی چون اقتصاد، اشتغال، نظام آموزشی، مسائل فرهنگی، آمایش سرزمین و... است. بعد از گذشت قریب به یک دهه از ابلاغ سیاست‌های کلی



آن تدوین، اجرا و نظارت شود.

در طرح تعالی خانواده و جمعیت راهکارهای دستگاههای دولتی در حوزه ازدواج و مباحث پیرامون آن در چهار فصل در نظر گرفته شده است.

فصل اول آن شامل تعاریف، فصل دوم اقدامات دستگاهها برای کاهش سن ازدواج، فصل سوم درخصوص کاهش طلاق و فصل چهارم مباحث مربوط به مشوق های رشد نرخ باروری و افزایش جمعیت است.

گرچه این طرح نیاز به اصلاحات و چکش کاری بیشتر از سمت متخصصین حوزه‌های مختلف دارد و بندهایی از آن نیازمند اصلاح است اما باتوجه به اینکه کلیات طرح تصویب شده از آن می‌توان بعنوان یکی از طرح های مهم در اصلاح سیاست های جمعیتی نام برد.

یکی از طرح‌هایی که مرتبط با طرح جمعیت و تعالی خانواده است و به پیشبرد آن کمک می‌کند قانون تسهیل ازدواج است. که در این سالیان به سرنوشتی مشابه طرح جمعیت دچار شد. در مجلس دهم جمعی از نمایندگان با استفاده از ماده ۲۳۴ آئین‌نامه داخلی مجلس در حوزه نظارت، اجرا نشدن این قانون از سوی دولت را از طریق کمیسیون فرهنگی، هیئت‌رئیس مجلس و قوه قضائیه پیگیری کردند. با وجود دستور رئیس وقت قوه قضائیه (آیت‌الله آملی لاریجانی) و پیگیری‌های دادستان کل کشور اما نمایندگان و کلای دولت توانستند این شکایت را بی‌اثر کنند و بدین ترتیب مانع اجرای قانون تسهیل ازدواج شوند. بعد از روی کار آمدن رئیس جدید قوه قضائیه نیز با وجود پیگیری‌های زیاد، اما این موضوع تاکنون با پیشرفت مواجه نبوده است.

پژمانفر یکی از نمایندگان مجلس با اشاره به این طرح، بیان داشتند: «علی‌رغم تاکید مقام معظم رهبری در مسئله جمعیت

جمعیت و همچنین خانواده از سوی مقام معظم رهبری به روسای سه قوه و مجمع تشخیص نظام اقدام موثری را در این زمینه شاهد نبودیم.

در میان سه قوه، کلیدی‌ترین نقش را مجلس شورای اسلامی برعهده دارد و در مرحله بعد قوای مجریه و قضائیه قرار می‌گیرند.

با وجود تغییرنمایندگان مجلس توجه به امور حیاتی و مغفول مانده از اهمیت به سزایی برخوردار است و ضرورت در اولویت نخست گذاردن مباحث مربوط به جمعیت مانند طرح جمعیت و تعالی خانواده و قانون تسهیل ازدواج می‌تواند مجلس را در نقش یک منجی برای حل بحران جامعه به نمایش بگذارد.

در زمینه جمعیت طرحی ناشناخته به نام «طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده» از سال ۹۲ تاکنون در مجلس متوقف مانده بود که این امر نشانگر نگاه تقلیل‌گرایانه به موضوع خانواده و جمعیت برای نمایندگان مجلس قبل بوده است، و بارها با ورود لوایح و طرح‌های مختلف از دستور کار خارج شد!

پیش از این پروانه سلحشوری نماینده سابق مجلس شورای اسلامی در مورد وضعیت این طرح در کمیسیون فرهنگی گفته بود: «با توجه به گستردگی موضوعاتی که در حیطه کمیسیون فرهنگی قرار دارد، اولویت‌هایی برای کمیسیون پیش آمد و به همین دلیل طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده فعلاً متوقف شده است»

پیش‌نویس این قانون با هدف نیل به نرخ باروری ۲/۵ درصدی کمی جمعیت تا سال ۱۴۰۴ توام با ارتقای کیفی جمعیت و تثبیت آن تا سال ۱۴۳۰ ه. ش. تقدیم مجلس شورای اسلامی شد و پس از طی تشریفات قانونی، تصویب و می‌بایست به عنوان قانون جامع تلقی شده و همه برنامه‌ریزی‌ها با محوریت



نمود و از تمام ظرفیت‌ها برای افزایش کمی و کیفی جمعیت بهره برد. اگر زمانی برای تنظیم جمعیت و تحدید نسل همه ارگان‌ها از صدا و سیما، تبلیغ بیلوردها و دروس کتب درسی تا خدمات رایگان وزرات بهداشت برای کنترل و محدودیت مولید باهم بسیج شدند چرا برای جبران این اشتباه غیرقابل گذشت اکنون از این ظرفیت‌ها استفاده نشود؟

بنابراین علاوه بر تغییر سیاست‌های اشتباه گذشته باید آگاهی‌های لازم برای تغییر نگرش مردم و خانواده‌ها در مورد تکثیر نسل و نسبت به سبک زندگی ایرانی-اسلامی را افزایش داد. بایستی اهمیت این مساله برای خانواده‌ها از همه ابعاد تشریح گردد. مهم‌ترین وظیفه را در این مورد صداوسیما داراست.

باید این نکته را متذکر شد: تولد فرزند علاوه بر مشکلات اقتصادی زیادی که بر خانواده تحمیل می‌کند رسیدگی خاص خود را می‌طلبد و مستلزم آن است که زن و مرد هر دو دوشادوش هم برای تربیت فرزند تلاش کنند، وقت بگذارند و از بسیاری منافع خود چشم‌پوشی کنند. اینجاست که نقش سیاست‌های حمایتی دولت از خانواده‌ها بسیار مهم می‌گردد. مساله افزایش مرخصی بانوان و حتی مردان شاغل، کاهش ساعت کاری مادر، استقرار مهدکودک در کنار محل کار مادر، اختصاص درآمدی ماهیانه برای مخارج فرزند حتی آموزش مردان برای همکاری در نگهداری نوزاد، سیاست‌هایی است که کشورهای پیشرفته جهان آن را بخوبی اعمال کرده و موفق بوده‌اند.

حل مشکل ازدواج، کلید حل مشکل جمعیت خواهد شد چرا که با ازدواج حدود ۱۲ میلیون جوان مجرد بخشی از بحران خود به خود حل خواهد شد و با کمک دولت به باروری ۳ میلیون زوج نابارور بخش دیگر این بحران برطرف می‌شود و نقش مجلس در پیشبرد، تصویب و نظارت برحسن اجرای این لوایح و طرح‌ها غیر قابل انکار است.

و اسناد بالادستی، اما دولت وقت به بهانه بار مالی و با وجود تصویب از سوی نمایندگان وقت، از اجرای آن سر باز زد. با اینکه بعدها سعی کردیم بندهایی از این قانون را که بار مالی زیادی داشت، اصلاح کنیم ولی تاکید کردیم که دولت بودجه مربوط به کنترل جمعیت را صرف افزایش فرزندآوری کند، اما این پیشنهاد نیز با مخالفت دولت وقت مواجه شد.»

مساله افزایش جمعیت در جامعه پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد گسترده‌ای است که با برنامه ریزی دقیق و حساب شده باید به سمت اهداف طولانی مدت آن رفت. این مساله هم همانند بحران کرونا نیاز به مشارکت گسترده مردم و مسئولین دارد. بدین معنی که هم باید زیر ساختهای افزایش جمعیت در جامعه و دسترسی به منابع و امکانات برابر امکان پذیر باشد هم سیاست‌های حمایتی و تشویقی فرزندآوری تقویت گردد، همچنین باید به طور ویژه به مشکلات معیشتی مردم توجه شده و قوانین تبعیض آمیز اصلاح گردد و هم از لحاظ فرهنگی بطور ریشه‌ای بدان پرداخته شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد بعد اتمام در مسائل اقتصادی، ایجاد سازوکارهای فرهنگی لازم در جامعه برای حل بحران جمعیت مهمترین چالش امروز است.

باتوجه به اینکه ساختارهای فرهنگی ما سالها به ترویج تفکر دوفرزند و یا فرزند کمتر زندگی بهتر پرداخته است این مساله چون هر مساله اجتماعی دیگر مستلزم عزم ملی در سطوح خانواده، آموزش و پرورش، صدا و سیما و دستگاههای فرهنگی مرتبط می‌باشد.

برای ترغیب زوجین به فرزندآوری باید فرهنگسازی از جنس فرهنگسازی دهه شصت که جنبه سلبی داشت و نتایج آن را بعد از گذشت سی سال شاهد هستیم انجام شود. عواقب دهشتناک کاهش جمعیت را برای نسل امروز در قالب‌های متعدد تبیین

موانع مادری، مسائل اجتماعی

✿ نگیس سادات حسینی

برای فرزندآوری سالم و فرزندپروری سالم بسترهایی احتیاج است؛ توانمندی‌های فردی، کمک‌های خانوادگی و حمایت‌های اجتماعی. در این میان از دید سیاستگذاری حمایت‌های اجتماعی بیش از همه اهمیت دارد. حاکمیت می‌بایست شرایط مادری را تسهیل کند؛ به عنوان مثال شرایط حفظ سلامت مادر قبل و بعد از بارداری باید به سهولت در دسترس باشد یا مهارت‌های نگهداری از کودک به صورت عمومی آموزش داده شود تا از نگرانی‌های مادران کاسته شود.

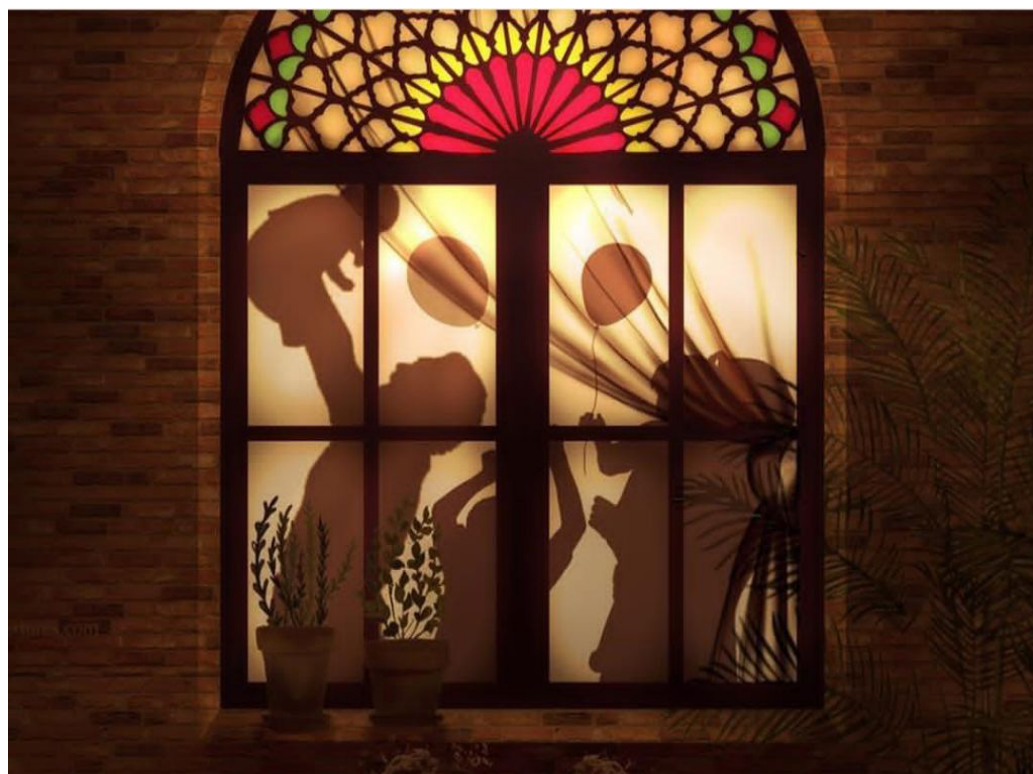
آنچه که در بین حمایت‌ها، بد یا کم به آن پرداخته شده «زیرساخت اجتماعی مادری» است؛ مادری مهم‌ترین بخش از اثرگذاری اجتماعی زنان است. چرا که هیچکس جز آنان با ویژگی‌های منحصر به فرد زنانه قادر به چنین کاری نیست. اما این مسئولیت، نباید مانع از انجام فعالیت‌های اجتماعی دیگر آنان باشد. تحصیل، فعالیت اجتماعی آزاد و اشتغال از جمله این فعالیت‌هاست اما متأسفانه بسیاری از زنان بین این دو نقش در تعارض می‌مانند و این تناقض از نبود «زیرساخت اجتماعی مادری» یعنی زیرساختی که به تعادل بین نقش‌های مختلف مادران کمک می‌کند، حکایت دارد. اما این زیرساخت‌ها چه هستند؟

• مرخصی زایمان:

طبق قانون برای دانشگاه‌های دولتی تا چهار ترم بعد از زایمان و یک ترم قبل از زایمان امکان دریافت مرخصی از دانشگاه وجود دارد که جزو سنوات دانشجو محسوب

مادری یک واژه ساده و در عین حال پیچیده است؛ کاری شیرین و در عین حال سخت. پدر و مادر هریک نقش مهمی را برای فرزند از بدو تولدش تا پایان عمر ایفا می‌کنند اما نقش مادر به جهاتی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ کودک خردسال به دلیل نیاز به مادر، ارتباط مستمر و بی‌وقفه‌تری با او را تجربه می‌کند و از سوی دیگر مادر به دلیل توانایی‌های ویژه زنانه نقش عمیق‌تری را در تربیت فرزند ایفا می‌کند؛ او با دقت تمام حرکات فرزند را زیر نظر می‌گیرد، با ظرافت زنانه با او تعامل می‌کند و او را از محبت مادرانه سیراب می‌کند تا به لحاظ روحی عاری از هرگونه عقده باشد. به همین جهت گرچه تعریف پدری باید در فرهنگ ما اصلاح شود و نقش پررنگ‌تری به خود بگیرد اما مادری همچنان از اهمیت ویژه‌تری به خصوص در خردسالی برخوردار است.

با این وجود آیا مادری به همان میزان که به صورت طبیعی مهم و موثر است، از دیدگاه اجتماعی نیز مهم و موثر دیده می‌شود؟ ارزش مادری از دید اجتماعی به میزان اثرگذاری آن در تصمیمات، برنامه‌ها و قوانین برمی‌گردد. متأسفانه وقتی به عملکردها نگاهی می‌اندازیم آن چنان که باید، این اهمیت عینیت نیافته. مشکلات مسئولیت مادری معمولاً به عنوان مسائل اجتماعی در نظر گرفته نمی‌شوند. در حالی که مادری فارق از وجوه فردی و خانوادگی، وجهی از اجتماعی بودن را نیز دارد؛ مادری ایجاد ارزش افزوده برای جامعه است. مگر ارزش افزوده‌ای بالاتر از تولد و تربیت «انسان‌های خوب» برای جامعه وجود دارد؟



اما متأسفانه هنوز مدل شغل تمام وقت و با ساعت حضور فیزیکی بالا و ثابت در ایران رایج است. گسترش مشاغل نیمه وقت، پاره وقت، پروژه ای، دورکاری و همچنین بررسی مدل های جدیدتری چون فریلنسری می تواند به وسیع تر شدن دایره انتخاب یک زن کمک کند تا متناسب با شرایط خود یک مدل را انتخاب کند. این مدل ها باید به گونه ای باشد که مدیریت زمان تا حد خوبی برعهده خود زن باشد. توسعه بسترهای مجازی کارآمد می تواند به گسترش این مدل های شغلی و همچنین آموزش های آنلاین به جای حضور تمام وقت در دانشگاه برای تحصیل کمک کند. همچنین کاهش ساعت کاری مقرر مادران می تواند کمک کننده باشد؛ هم اکنون طبق قانون، ساعت کار مادران دارای فرزند زیر ۷ سال می تواند از ۴۲ به ۳۶ ساعت در هفته کاهش یابد اما همچنان این کاهش کافی نیست و در اجرا نیز دچار مشکل است.

• متناسب سازی فضا:

اگر مرخصی زایمان نیز اعطا شود بالاخره مادر باید به محل فعالیت خود بازگردد و دوری فرزند از مادر هم بر امنیت روانی مادر، هم بر وضعیت روحی و جسمی فرزند و هم بر فعالیت اجتماعی مادر تاثیر می گذارد. بهترین راه، مناسب سازی فضا برای حضور همزمان مادر و کودک در محل های اجتماعی چون شرکت های خصوصی، سازمان های دولتی، دانشگاه ها، کتابخانه ها و... است. اکنون در دنیا فضای کار اشتراکی مادر و کودک در حال

نمی شود. در شغل نیز ابتدا شش ماه مرخصی با حقوق تصویب شد اما پس از تلاش های مکرر این مرخصی به نه ماه رسید. پدر نیز می تواند از دو هفته مرخصی استفاده کند. زمان مرخصی زایمان برای مادران شاغل در کشورهای مختلف حتی تا دو سال می رسد و این مرخصی می تواند با پدر تقسیم شود اما در ایران نه تنها این زمان زیاد نیست، بلکه اجرایی شدن این قانون هنوز هم با مشکل روبروست؛ به این معنا که گاهی مرخصی به زن اعطا نمی شود و گاهی پس از بازگشت به کار، زن شغل خود را از دست می دهد. این اتفاق به این معنی است که هنوز هم اجرای این قانون لنگ یک آیین نامه اجرایی خوب و منطقی است. این آیین نامه اجرایی باید به گونه ای طراحی شود که برای کارفرما منفعت اعطای مرخصی بیش از ضرر آن باشد و از سوی دیگر مانع از به کارگیری زنان در جایگاه های جدی و مهم نشود.

اما در نهایت هرچقدر مرخصی در دانشگاه یا محل کار بی عیب اجرا شود باز هم برخی از روی علاقه، احساس مسئولیت، عدم تمایل به دور شدن از مسئله یا ... ترجیح می دهند زودتر به فعالیت خود بازگردند؛ پس راهکارهای دیگری نیز باید در نظر گرفته شود که به برخی از آن ها در ادامه اشاره می شود.

• انعطاف مدل کاری:

در دنیا مدل های مختلفی از اشتغال در حال گسترش هستند که انعطاف بیشتری نسبت به مدل های سنتی دارند

کشورها به خانواده‌ها کمک هزینه بارداری پرداخت می‌شود اما در ایران نه تنها چنین حمایتی صورت نمی‌گیرد بلکه اخیراً یارانۀ فرزندان تازه متولد نیز مشروط به وجود بودجه شده است که عملاً راه را برای نادیده گرفتن این هزینه هموار می‌کند.

• همکاری با مادران:

متأسفانه هم در دانشگاه‌های علوم پزشکی برای رفتن به طرح بیمارستانی و هم در سطح تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌های وزارت علوم، اساتید برای همکاری با دانشجویهای خانم شرط عدم فرزندآوری را می‌گذارند؛ برای استخدام در شرکت‌ها به ویژه شرکت‌های خصوصی نیز همین‌طور. این مسئله‌ی دردناک نشان می‌دهد که عدم حمایت از مادری بازتولید می‌شود، هرچقدر موارد بالا اجرا نشود، حمایت‌های اخلاقی نیز برداشته می‌شود. گرچه این مسئله نیازمند حمایت قانونی در سایر موارد و فرهنگ‌سازی است اما برخورد قانونی با این نوع رفتارها می‌تواند از گسترش آن‌ها جلوگیری کند.

آن چه که می‌تواند تمام مشکلات ذکر شده را رفع کند تغییر دیدگاه مسئولان نسبت به فرزندآوری و به طور خاص در نظر گرفتن شرایط مادران است؛ آن‌ها باید بدانند که این مسائل نه مشکلات شخصی و در چارچوب یک خانواده بلکه مسائلی اجتماعی هستند که عدم توجه به آن‌ها گره مسئله جمعیت در کشور را کورتر می‌کند و گریبان تمام جامعه را می‌گیرد و آن‌ها در قبال این فاجعه مسئول هستند.

رایج شدن است اما نمونه‌های آن در ایران بسیار کم است. داستان غم‌انگیزتر آن است که حتی از مهدکودک ساده نیز دریغ می‌شود. هم‌اکنون در عموم دانشگاه‌ها مهدکودک وجود ندارد و بسیاری از مادران دانشجو مجبور هستند کسی را برای نگهداری کودک، همراه خود به دانشگاه بیاورند. طبق قانون کار باید متناسب با تعداد کارگران زن دارای فرزند فضایی برای نگهداری کودکان در محل کار وجود داشته باشد اما گاهی زنان شاغل باید فرزندان خود را به مهدکودک‌های اطراف بسپارند. در مهدکودک‌های خارج از محل فعالیت دو مشکل جدی وجود دارد: اطمینان کافی به سلامت مهد و کارکنان به سختی برای خانواده حاصل می‌شود و همچنین مادر برای سرزدن به فرزند خود باید زمان بیشتری را بین کار خود صرف کند در حالی که طبق قانون در هر سه ساعت، نیم ساعت به آن‌ها اجازه رسیدگی به فرزند داده می‌شود. قانون دیگر در این مورد آن است که طبق مصوب هیئت وزیران در اردیبهشت ماه ۱۳۸۴ در صورت نبود مهدکودک باید کمک هزینه مهدکودک به مادران شاغل دارای فرزند کمتر از ۵ ساله پرداخت شود.

• کاهش دغدغه‌های اقتصادی:

برخی زنان به خصوص زنان سرپرست خانوار یا زنان خانوارهای دهک‌های پایین برای گذران زندگی مجبور به فعالیت اقتصادی هستند و برای فرزندآوری نگران شرایط اقتصادی هستند. گرچه خداوند روزی‌رسان است اما حمایت در این زمینه وظیفه حاکمیت است. در برخی

گذر از مسیر سیاست گذاری صحیح



چهارپرده از ابتکارات تقریبا
هیچ خانم ابتکار

در انتظار مصوبات کارآمد

کلام رهبری

گزارش تصویری

چهار پرده از ابتکارات تقریبا هیچ خانم ابتکار

✿ محمد حسین اصلان زاده

نشان داد که برای جریان شما تنها چیزی اهمیت ندارد اعتماد عمومی است و هزارگانه‌ای می‌توان به بهانه‌های مختلف لگدی را حواله اعتماد عمومی نمود دقیقا همان لگدی که جریانتان به انتخاب مردم در سال ۸۸ نمود. البته شاید میشد اینگونه متصور شد که این روش بخاطر رقابت های شما با دولتی بود که خود را اپوزیسیون آن میدانستید اما سرکارعالی در اوج قدرت و در سال ۹۴ نیز با طرح بنزین آلوده که تحقیقات مجلس صحت آن را رد نمود بار دیگر؛ هم آرامش را از مردم گرفتید و هم خود کفایی را از صنعت بنزین کشور. البته گویا اقدامات شما همچنان ادامه دارد زیرا حتی همین اواخر که هم شما درگیر کرونای مسئولانه بودید و هم مردم درگیر ویروس کشنده کووید ۱۹ باز هم سازمان متبوع شما با طرح ازدیاد کودک آزادی و زن آزاری که توسط بهزیستی تکذیب شد موج دیگری از ایرانی تحقیری رقم زد

سرکار خانم! تکیه زدن بر سربیه قدرتی که پیش پای آن غرور و اعتماد ایرانی ذبح شده است چه لذتی دارد که دست از آن برنمیدارید؟!

پرده دوم

با خودم فکر میکنم که چگونه میشود ملت خود را تحریم کرد؟! چگونه میشود در مقابل حضرات بین المللی! و سازمان

نقد و بررسی عملکرد تخصصی و سیاسی زنی که بیشترین تاثیر را در سیاست گذاری های امور زنان و خانواده و محیط زیست داشته است نیاز به ساعت ها بحث و مطالعه و قلم فرسایی افرادی دارد که به صورت حرفه ای تر فعالیت معاونت زنان ریاست جمهوری یا سازمان محیط زیست را زیر نظر دارند اما آنچه که در این مقاله توسط نگارنده نگاشته شده است مروری کوتاه بر عملکردی است که هر کنشگر اجتماعی و سیاسی میتواند نسبت به آن خرده بگیرد و چه بهتر که مخاطب نگارنده در این خرده گیری ها خود خانم ابتکار باشد

پرده اول

کاسبی شما اعتماد عمومی را نابود میکند!

ای کاش ابتکاری را که خرج نابودی سرمایه های اجتماعی مردم میکنید خرج پرداختن به معضلات اساسی حوزه کاری خود میکردید. بله! دقیقا منظور نگارنده اعتماد عمومی است که شما با حراج نمودن آن بر مسندهای مختلف تکیه زده اید! میگوید مصداق بیاور! بسیار خب! هنوز اظهارات شما در اوج روزهایی که نظام زیر بمباران تهمت های هم حزب هایتان قرار داشت یعنی در کوران سال ۸۸ از ذهن ها نرفته است. پیش کشانیدن تاثیر امواج پارازیت ها بر سلامتی شهروندان آن هم تنها برای دعوای سیاسی پر کلاف ۸۸



و نکردید بنویسم، از طرح های اساسی که بعد از ۷ سال هنوز روی زمین مانده است. از ظرفیت هایی که نظام در اختیار شما نهاد تا معضلات را حل کنید ولی در دالان های تو در توی سیاسی بازی گم شد

از برنامه جامع تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده که همچنان جز اولویت های شما نیست از برنامه ملی افزایش نرخ جمعیت که میتوان گفت برای تحققش تقریباً هیچ اقدامی نشده است، از قانون تسهیل ازدواج جوانان که همچنان مسکوت است و یا از ترویج حجاب و عفاف که میتوان گفت در دستگاه شما و دوستانان کمتر کسی است که برای تحکیم و تقویت آن نقش جدی ایفا کرده باشد.

بحث را متوقف میکنم زیرا نوشتن از کارهایی که باید میشد نیز سیاهه ای میخواهد به اندازه هفت سال زندگی جوانانی که چشم به انتظار تدبیر شما عمر تلف کردند و حقیقتاً گوشی را برای شنیدن در این سالیان ندیدیم که بخواهم نسبت به یک سال باقی مانده شما امیدوار باشیم نگاشته شد تا بماند برای تاریخ اما از یک چیز میترسیم و آن این است که پس از شما نیز کسی پیدا نشود که جرات تقابل با انحرافات ایجاد شده در سیاست گذاری خانواده و زن و محیط زیست را پیدا کند و هم چنان علن اصلاح برای روی زمین بماند و قلم نقد ما روی صفحات کاغذ.

رونوشت:

سرکار خانم نیلوفر ابتکار! فرزندان حاج ابوطالب حاج مولا حاجی و همسر محترمه جناب سید محمد هاشمی اصفهانی

های امتحان پس داده شان اینگونه گرنش کرد؟ تا آنکه باز هم با نام وزین و پر تکرار شخص سرکار عالی روبه رو میشوم و گره از معادلاتم گشوده میشود. خانم ابتکار!

منظومه اندیشیدن شما به چه شیوه است که در آن پارازیت انداختن امنیت جانی مردم را به خطر می اندازد اما تعهد برای گزارش دادن فعالیت های نظامی کشور آن هم به بهانه جلوگیری از بسط گازهای آلاینده!! خطر جانی برای مردم ندارد؟

پرده سوم

حقیقتش شاید اینگونه است که باید در بین عملکرد محیط زیستی شما به دنبال پاسخ سوالم بگردم! مراد طاهباز، کاوه مدنی، کاووس سید امامی، مدارس طبیعت و توده ای های زنگ زده ساکن در ساختمان پردیسان اسم رمز فعالیت های شبکه جاسوسی است که قرار بود به بهانه حمایت از یوز ایرانی اطلاعات پایگاه های نظامی ایران را رصد و گزارش کنند؛ موضوعی که ختم به دستگیری چند عضو، خودکشی سید امامی یهودی و فرار کاوه مدنی معاون شما شد اما شما همچنان تصمیم گرفته اید که نسبت به ان سکوت کنید و سخنی به میان نیاورید.

پرده چهارم

کارهایی که کردید و کارهایی که باید میکردید! اگر بخواهم از کارهای صورت گرفته شما بنویسم چه بسا صفحات پشت سرهم سیاه شود و اقدامات منفی شما تمام نشود حقیقتش بهتر است کمی از کارهایی که باید میکردید

درانت

مصاحبه با دکتر سينا کلهر؛ معاون فرهنگی، اجتماعی مرکز پژوهش های مجلس

زهرا کارگر

ایده طرح اجرایی توانمند سازی زنان سرپرست خانوار، چه پیگیری بیمه زنان سرپرست خانوار و قوانینی که تصویب شد. ماده ای را هم پیشنهاد دادند درباره خانواده زندانیان بی بضاعت که انصافا کار خوبی بود و از این جهت هم سعی کردند کمک بکنند و این هم در واقع اقدام مثبتشان بود.

تامین امنیت زنان لایحه ای بود که بیشتر معاونت زنان آن را پیگیری کرد. بنظر شما این لایحه که از جانب قوه قضائیه یک سری اصلاحات بر آن صورت گرفته چقدر میتواند در حوزه خانواده موثر باشد؟

- این دیدگاه شخصی خودم است، تا زمانی که رویکرد ما در پیگیری مسائل زنان و پیگیری استیفا حقوق شرعی و قانونی زنان در تعارض با مسئله خانواده قرار بگیرد یا پیامد های این پیگیری موجب تضعیف نهاد خانواده بشود عملا در میان مدت و بلند مدت این پیگیری حقوقی بیش از اینکه به نفع زنان در جامعه باشد، به زیانشان خواهد بود.

اگر این مقدمه را بخواهیم لحاظ بکنیم هر نوع حمایت حقوقی که میخواهیم بکنیم باید این صیانت حقوقی در آن به نحوی صورت بگیرد که در سازگاری با نهاد خانواده باشد. اینطور نباشد که حمایت های حقوقی سپر حمایتی اصطلاحا ایجاد بکند ولی عملا امکان زندگی مشترک را از آنها سلب بکند یا زندگی مشترک آن ها را دچار بحران و آسیب بکند.

یکی از جدی ترین پیامد هایی که انتظار می رود همین مسئله تامین امنیت بانوان ایجاد بکند مخصوصا در محیط خانواده این است که عمدتا به نتیجه رساندن این پیش نویس ها اولین جایی را که تحت شعاع قرار میدهد و موجب بحران و آسیب میشود همین رابطه مشترک و نهاد خانواده است.

البته به معنای این نیست که ما چشم پوشیم از اجتهافی که در حق زنان در بعضی موقعیت ها انجام می

- آقای دکتر به بنظر شما فراكسيون زنان چقدر توانست در حوزه زنان و خانواده گام مثبتی بردارد و به طور کلی عملکرد فراكسيون زنان مجلس دهم را چطور می بینید؟

- فراكسيون زنان مجلس دهم شاید با یک وضعیت متناقضی مواجه بود، بخشی از جلوه بیرونی فراكسيون بخاطر اقداماتی بود که به جهت پوشش رسانه ای آن ها خیلی به چشم می آمدند که حول دوتا موضوع بود همین مسئله ای که درباره ازدواج افراد در سنین پایین بود که در جامعه معروف به کودک همسری شده بود و از طرف دیگر مسئله حضور زنان در ورزشگاه.

این دو موضوع خیلی به خاطر پرداخت رسانه ای بزرگ نمایی شد ولی طرح های دیگری هم بود، بخشی از آن ها به نتیجه رسیدند و بخشی هم به نتیجه نرسیدند. هدف ما این است که منصفانه قضاوت بکنیم.

یکی از مهم ترین کارهایی که فراكسيون انجام داد و موفق هم بود که ما مخالفش بودیم ولی کاری بود که انجام داد و به نتیجه رسید، مسئله تعیین تکلیف مسئله تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی بود. خب این قانون سال ها لوایح اش می آمد و نمیتوانست به نتیجه برسد.

درست است که ما با رویکرد حاکم بر فراكسيون موافق نبودیم و از جهات مختلفی پیگیری های فراكسيون سر ازدواج در سن پایین و... مخرب بوده، هم بر فضای فرهنگی و عمومی و هم بر فضای خانواده، ولی با این حال اینطور هم نبوده که برای بخشی از مسائلی که واقعا مبتلا به جامعه است اقدامی انجام نداده باشد.

مواردی وجود داشت که در این بخش ها فراكسيون واقعا فعال بود و سعی کرد در تصویب قوانین کمک بکند چه برنامه ششم توسعه که در حوزه زنان و خانواده بوده، چه

نظار مصوبات کارآمد

قانونی را لحاظ بکنیم که این اتفاق بیفتد از ارزیابی ما منفی است و تجربه کشورهایی که از این مدل استفاده کردند هم تجربه مثبتی نیست و عملاً به مشارکت زنان کمک نکرده.

- در مجلس دهم نسبت به دوره های قبل تعداد خانم ها بیشتر بود بنظر شما این مسئله چقدر می تواند در پیگیری حقوق بانوان و مسائل حول محور زنان موثر باشد؟

- ببینید عدد اهمیتی ندارد اگر یک مرد یا یک زنی نماینده ای واقعی باشد می تواند به اندازه ۲۹۰ نماینده موثر باشد.

- یعنی کیفیت اهمیت بیشتری دارد!

- بله مشخص است که کیفیت مهم تر است ولی مشکل این است که بخش زیادی از بانوانی که وارد مجلس می شوند فاقد استقلال سیاسی کافی اند یعنی عمدتاً در حوزه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تابع جریان حاکم اند و صرفاً در حوزه زنان و خانواده و اینها فضای فعالیت و کنش گری برای خود لحاظ می کنند خوب طبیعتاً آنجا هم قدرت کافی را پیدا نمی کنند در همان مجلس قبلی هم دو سه خانمی که پیگیر این ماجرا بودند عملاً می دیدیم که خیلی موقع ها کنش گریشان نمی توانست به نتیجه برسد.

منتها این در واقع بیشتر به همان کیفیت نمایندگان برمیگردد که عمدتاً در بسیاری از مواقع فاقد طرح و ایده روشنی برای حوزه زنان و خانواده هستند و چون فاقد طرح و ایده اند نمی توانند آن را پیگیری بکنند و چون استقلال کافی را هم در این ماجرا ندارند نتیجه ای ندارد. از آن طرف هم به لحاظ منافع و موقعیت و... همه اش زبان است به طور کامل باید ایثار کنند و در این حوزه کار بکنند.

- در خصوص مجلس یازدهم به نظر شما پرداخت به چه مباحثی در حوزه زنان و خانواده باید در اولویت باشد؟

- اگر بخواهیم در حوزه زنان و خانواده صحبت بکنیم اولویت اول مجلس و حاکمیت بدون هیچ شک و تردیدی،

شود. منظورم این است که دفاع از حقوق و تامین امنیت سازگار با الگوهای مشترک در زندگی و جامعه باشد که متأسفانه در این پیش نویس ها خیلی مواقع اینطور نبوده. بعضی از این پیش نویس ها به نحوی نوشته شدند که به ساده ترین روش ممکن امکان تبدیل شدن یک سو تفاهم ساده در خانواده را به یک بحران فراهم می کنند یعنی هم از طریق باز کردن پای نهادهای بیرونی به نهاد خانواده هم از طریق امکان های دادخواهی و شکایتی که به هریک از طرفین داده می شود و مثلاً در موقعیت های عاطفی و عصبانیت و خشم و غیره احتمال اینکه خیلی از این ابزارها به کار گرفته شود و عملاً از آن واحد خانواده چیزی باقی نماند وجود دارد. این ملاحظات پیرامون آن لایحه هست. حتی همین دو تا پیش نویسی که قبلاً در معاونت امور زنان تهیه شده بود و یکی دیگر که در قوه قضائیه آماده شده با وجود این که هر دو پیش نویس از نظر ما این بحران ها را دارد ولی گویا خود مجموعه دولت و معاونت زنان پیش نویس قوه قضائیه را خیلی قبول ندارد یعنی احساس می کند که خیلی محافظه کارانه است و به خاطر همین این لایحه به جایی نرسید.

- در مناصب سیاسی و حتی مجلس، به نظر شما اصلاً سهمیه بندی حضور خانم ها می تواند مفید باشد؟

- چنین طرح هایی طرح های توهین آمیز است اصلاً اگر دقت بکنید در واقع انگار ناتوانی دارند و یا با یک جور کمبود مواجه اند که امکان رقابت ندارند. به همین خاطر باید یک سری امتیاز هایی به آنها داده شود و در بلند مدت بیشتر از این که کمک بکنند موقعیتشان مستحکم تر شود، ضعیف تر خواهد بود.

اولاً خانم هایی که عملاً با دوپینگ وارد فضای سیاسی می شوند فعالیتی نمی توانند بکنند و دوم این که در بلند مدت اساساً فضای رقابتی را به یک سمتی می برد که کاملاً به شکل بازگشتی مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان را تضعیف می کند. اگر مانع جدی وجود داشته باشد برای مشارکت سیاسی اجتماعی زنان باید آن مانع برداشته شود اما این که ما بخواهیم یک دوپینگ سیاسی و



- واقعیت این است که اصلاً تأثیرات اصلی را همین عناصر واقعی می‌گذارند سیاست‌گذاری تلاش می‌کند که در آن عناصر و متغیرها مداخله بکند که اگر تأثیر مخربی دارند آن‌ها را کنترل یا حذف بکند. عناصر اصلی که تعیین‌کننده الگوی واقعی است، نظام ارزشی و نظام باوری آن جامعه است؛ مالکیت و الگوهای اقتصادی و هم‌منظور شیوه‌های معاش و کسب و کار در آن جامعه و ساختارهای اجتماعی و سیاسی است که یک کلیتی را شکل می‌دهد یعنی هر جامعه را از جامعه دیگر منفک و متمایز می‌کند. سیاست‌گذاری تلاش این است که با استفاده از قدرت دولت و قانون در این متغیرها که تأثیر مخرب و یا پیامدهای مخرب دارند مداخله بکند.

اصل مسئله هم همین است که آن متغیر و عامل مخرب درست شناسایی شده؟ و دوم این که آیا ابزاری که برای مداخله بکار گرفته می‌شود ابزار مناسبی است؟ یک ضرب‌المثل عامیانه وجود دارد که می‌گویند آمد ابرویش را درست کند چشمش را هم کور کرد خیلی از سیاست‌گذاری‌های ما شبیه همین می‌شود چون دقت نمی‌کنیم سهل‌انگاران به آن مواجه می‌شویم. آمدیم از زن حمایت بکنیم خانواده را از بین بردیم آمدیم طلاق را کم بکنیم ازدواج را از بین بردیم و ...

به خاطر همین آن چیزی که ما باید توجه بکنیم این است که شناخت ما از آن متغیرها درست باشد و وقتی شناخت درستی داشتیم با احتیاط و با نهایت جزء نگری

دو موضوع ازدواج و دیگری هم فرزندآوری است. جالب این است که این موضوعات در مجلس دهم توسط فراکسیون پیگیری نمیشد یعنی در اولویت نبود چون به لحاظ گفتمانی در اولویت فراکسیون نبود. آن جریان سیاسی که فراکسیون دهم عمدتاً اکثریتش را از آن جا گرفته بود به لحاظ گفتمانی هم همین الان همراه نیست با این موضوع و این را اولویت نمی‌داند.

موضوعات دیگری هم هست مثلاً همان موضوع زنان سرپرست خانوار و بیمه زنان خانه‌دار که نزدیک به ۸۹ درصد جمعیت زنان ما را در جامعه شامل می‌شوند البته صرفاً مسئله بیمه نیست این که ما درباره خود موضوع زنان خانه‌دار بتوانیم یک بسته سیاستی آماده بکنیم درباره اوقات فراغت، مشارکت اجتماعی و استفاده از ظرفیت آن‌ها و هم‌منظور کاهش بخشی از آسیب‌هایی که با آن مواجه هستند این خیلی موضوع مهمی است ولی ظاهراً خیلی ایده روشنی راجع به آن وجود ندارد و اولویتش هم مثل همان دو موضوع ازدواج و فرزندآوری در نظام سیاست‌گذاری خیلی به رسمیت شناخته نشده. موضوعات دیگری هم هست مثل طلاق، خشونت، اشتغال زنان و ... ولی آن دو موضوع با فاصله زیاد در صدر اولویت‌ها قرار دارند و بعدش هم مسئله زنان خانه‌دار و زنان سرپرست خانوار است.

- مسلماً یکی از عناصر تأثیرگذار در حوزه زنان بحث قانون‌گذاری است اما عناصر دیگر در قیاس با سیاست‌گذاری چقدر تأثیرگذار هستند؟



- تقریباً مشابه همان چیزی که در کشورهای غربی اتفاق می افتد؟! -

- بله همین جریان فمینیستی که حالا شکل اسلامی هم به خودش گرفته و عمدتاً توسط زنان محجبه ای که حالا البته ممکن است به لحاظ گرایش سیاسی مثلاً در گرایش اصلاح طلب قرار داشته باشند ولی فرم و پوششان هم کاملاً صورت اسلامی دارد مسئله ای از این جهت ندارد و البته توسط بخشی از جریان حقوقی فقهی هم حمایت می شود.

نکته دوم این است که آن چیزی که برایمان مسئله نهایی است فراهم کردن فضای زیست و زندگی مطلوب برای زنان و مردان در جامعه است خود حقوق زن فی نفسه برای ما موضوعیتی ندارد. فرض کنید شما در جامعه حق زن را دادید، حق مرد را دادید، حق فرزند را دادید، یک تعداد آدم حقوقشان را گرفتند و در جامعه دنبال زندگی می گردند؛ دیگر هیچ فضایی برای زندگی اجتماعی باقی نمانده؛ آنقدر این حق های منفرد فضاها را اشغال کرده است. خود حقوق زن و خانواده و سایر حقوق بستری است برای شرایط زندگی مناسب که در آن انسان ها بتوانند رشد کنند و فضایل و کمالات اخلاقی شان شکوفا بشود وگرنه در غیر این فی نفسه اهمیت و ارزشی ندارد. خیلی موقع ها ما به خود پیگیری حقوق زنان اصالت می دهیم و این منشا بسیاری از آسیب ها و مشکلات ما می شود.

مداخله ای انجام دهیم.

همین طرح جمعیت و تعالی خانواده و همین قانون تسهیل ازدواج جوانان و طرح های جدیدی که می آید در حوزه ازدواج این پیشنهادهای سیاستی و بسته های اجرایی باید قابلیت کارآمدی و اثر بخشی را داشته باشند که به تصویب برسند وگرنه می شود مثل قانون تسهیل ازدواج جوانان که سال ۸۴ تصویب شده ۱۴ سال هم از آن گذشته و هیچ اتفاقی نیفتاده یعنی عملاً تصویب هم نمی شد اتفاقی نمی افتاد.

- خیلی ممنون اگر ممکن است در پایان یک جمع بندی بفرمایید

- ما دو نکته را باید لحاظ کنیم یک ملاحظه این است که ما مواجهیم با یک انشقاق گفتمانی در جامعه یعنی عملاً دو گفتمان رقیب با هم در جامعه حضور دارند یک گفتمانی که تلاش می کند از زنان همراه با نهاد خانواده و سایر عناصر و ارکان جامعه صیانت بکند و یک گفتمانی که یک نوع استقلال برای زنان قائل است و محوریتش همان تاکید بر حقوق زنان است ما این دوگانگی را باید لحاظ بکنیم. علت این که فاصله مان را با آن گفتمان دوم حفظ می کنیم این است که به بهای حفظ حقوق زنان همه ارکان و نهادهای اجتماعی را تخریب می کند یعنی خانواده را تخریب می کند اجتماع را تخریب می کند سیاست و اقتصاد را تخریب می کند و امکان زندگی را منتفی می کند.



هدف از مطالبه حقوق زنان راضی کردن غریبه‌ها نباید باشد

در هر حرکت اجتماعی، آن وقتی حرکت درست خواهد بود و به نتایج درست خواهد رسید که مبنی بر خرد و تأمل و تشخیص و مصلحت و مبتنی بر پایه‌های درست و عقلانی باشد. در هر حرکتی که به قصد احقاق حق زنان انجام میگیرد، عیناً باید همین معنا ملاحظه شود؛ یعنی باید هر گونه حرکتی، بر اساس یک بینش خردمندانه، مبتنی بر حقایق هستی - شناسایی طبیعت و فطرت زن و طبیعت و فطرت مرد، مسؤولیت‌ها و مشاغل اختصاصی زن، مسؤولیت‌ها و مشاغل اختصاصی مرد و آنچه میتواند مشترک بین اینها باشد - انجام گیرد و از روی انفعال و تقلید نباشد. اگر حرکت، حرکتی از روی انفعال و تقلید و تصمیم کورکورانه و چشم بسته باشد، حتماً مضر خواهد بود. اگر در کشور، و جامعه ایرانی کسانی نام زن و حقوق زن را از این جهت بیاورند که مجلات غربی، یا گزارش‌های غربی، یا سیاسیون غربی ایران اسلامی را متهم کرده‌اند به اینکه به حقوق زن نمی‌رسد، این غلط است.

با این هدف نباید وارد این میدان شد؛ چون به انحراف و اشتباه خواهد انجامید. اگر ما با این قصد، وارد این میدان دفاع از زن شویم که آنها به ما نظر بد و منفی نداشته باشند، اشتباه خواهیم کرد.

اگر ما با این تصور و توهم وارد این میدان شویم که خیال کنیم آنها در این زمینه راه صواب را پیموده‌اند و راه درست را پیدا کرده‌اند، به شدت اشتباه خواهیم کرد. با این هدف‌ها و با این نیت‌ها وارد این میدان نباید شد، چون مبتنی بر اشتباه است.

اگر ما امروز بخواهیم برای زنان کشورمان، یک حرکت حقیقی و اساسی بکنیم، تا زنان بتوانند به وضع مطلوب خودشان برسند، باید به احکام اسلامی نظر داشته باشیم و از آن الهام بگیریم. برای ما، روش را احکام اسلام معین میکند. هر روش خردمندانه عقلانی را هم اسلام میپسندد و قبول دارد. اگر تجربه‌ای در جایی باشد، مورد قبول است؛ اما تقلید نه. استفاده خردمندانه از تجربیات دیگران درست؛ اما تقلید، غلط. لذا امروز کسانی که برای حقوق زن و برای رشد و شکوفایی استعدادهای زنان در کشور ما تلاش میکنند - که البته هم باید این تلاش انجام بگیرد - باید بدانند چه هدفی را دنبال میکنند و چه شعارهایی را باید مطرح نمایند. ۷۶/۷/۳۰

در این سالهای اخیر، در فضای فکری و فرهنگی کشور و در زمینه مسائل زنان، تلاش قابل تقدیری را مشاهده میکنیم؛ اما یک سؤال اساسی وجود دارد:

ما که برای حقوق زنان یا برای فراهم کردن زمینه‌های تکامل و رفع ستم از زنان و درباره آنان صحبت میکنیم، هدفمان چیست؟ هدف از این تلاشها، از این نوشتن‌ها و گفتن‌ها و فعالیت‌های قانونی چیست؟ این یک سؤال است که حتماً باید به آن جواب داده شود. برای تلاش فرهنگی و حقوقی در راه رسیدن زن به نقطه مطلوب، از لحاظ اجتماعی و از لحاظ فردی دو گونه هدف می‌شود تصویر کرد: یک هدف این است که ما برای رسیدن زن به نقطه کمال و هدف خود تلاش کنیم و مبارزه کنیم و بنویسیم و بگوییم یعنی زن در جامعه اولاً به حق انسانی و حقیقی خود برسد؛

ثانیاً استعدادهای او شکوفا بشود و رشد حقیقی و انسانی پیدا کند و در نهایت به تکامل انسانی نائل بشود. زن در جامعه بصورت انسان کامل در بیاید؛ انسانی که می‌تواند به پیشرفت بشریت و جامعه‌ی خود کمک کند و در محدوده‌ی تواناییهای خود، دنیا را به بهشت برین و زیبایی مبدل کند.

یک نوع هدف دیگر این است که ما از این گفتن و تلاش کردن و احیاناً مبارزه کردن بخواهیم یک نوع حالت تخاصم و جدایی و رقابت خصمانه میان دو جنس زن و مرد به وجود بیاوریم و دنیایی بر اساس رقابت بسازیم؛

کأنه در جامعه بشری، مردان یک طرف قرار دارند، زنان هم در طرف دیگر قرار دارند و اینها بر سر دستاوردی باهم نزاع می‌کنند و زن می‌خواهد در این قسمت بر مرد غالب و فائق بشود؛ آیا این هدف است؟ سؤال دوم - که آن هم به همین اندازه دارای اهمیت است - این است که ما وقتی به نام زن سخن می‌گوییم و به دفاع از زن می‌پردازیم، چه شعارهایی را مطرح می‌سازیم، چه چیزی را مطالبه میکنیم و برای چه چیزی تلاش مینماییم؟ این هم خیلی مهم است. در این جا هم روش اسلامی - یعنی آن چیزی که از مباحث اسلامی درباره زن و تعاریف اسلامی و معارف اسلامی میشود فهمید - با آن چیزی که امروز در غرب وجود دارد، متفاوت است.

تعدادی از فعالیت های انجمن اسلامی دانشجویان ترم مهر ۹۸



جلسه پرسش و پاسخ با سردار شاهرخی فرمانده کل سپاه استان قزوین آذر ۹۸



مناظره عدالت در بزرگراه انتخابات آذر ۹۸



طرح کتاب خوانی جرعه ای از ولایت آذر ۹۸



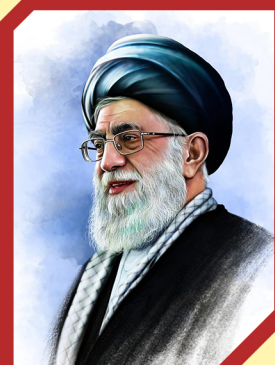
جلسه تحلیل انتخابات مجلس آبان ۹۸



جلسه با استاد مهدی عباسی مهر، رسالت انجمن اسلامی چیست؟ آبان ۹۸



میزدگرد، نقد و بررسی لایحه صیانت کرامت و تامین امنیت زنان در برابر خشونت آبان ۹۸



آیت الله خامنه ای: ❖❖❖

جامعه زنان باید کار فرهنگی در مورد زنان را در اولویت کارهای خود قرار دهند و با دادن شناخت و آگاهی به قشر زنان، آنان را در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام مقاوم سازند. زنان باید درک و شناخت کاملی نسبت به موانع رشد و شکوفایی و احیای شخصیت واقعی خود داشته باشند.

در دیدار با جمعی از بانوان
۲۳/۲/۷۱



امروز باید علاج کرد

پیر شدن کشور، کم شدن نسل جوان در چندین سال بعد، از چیزهایی است که اثرش بعداً ظاهر خواهد شد؛ وقتی هم اثرش ظاهر شد، آن روز دیگر قابل علاج نیست؛ اما امروز قابل علاج است.

سپهر
۱۳۹۶/۰۲/۱۱
زهره انقلاب

سال شانزدهم - شماره ۳۹



@Jelveh_magazine

